

۳
افقتهدید پشت تهدید
خطونشان ترامپ علیه مادورو۴
کافهخاموشی صدای جاده‌ها
کریس ریا درگذشت

بازتاب

چالش‌هایی در زمینه اعتماد به اخبار داریم
جوابیه مرکز تحقیقات صداوسیما به گزارش سازندگی

صیانت از حق حیات

وظایف دولت در تنظیم‌گری و حمایت اجتماعی

صالح نقره‌کار



حقوقدان

حقوق عمومی در حوزه «حق بر سلامت» با رعایت اصل بنیادین حمایت از حق حیات در سطح سازمانی و حکمرانی، مستلزم مجموعه‌ای از ضرورت‌ها و اقتضانات اساسی است. حق بر سلامت، نه یک امتیاز اعطایی دولت‌ها بلکه حقی ذاتی، بنیادین و غیرقابل سلب برای همه شهروندان محسوب می‌شود که تحقق آن، پیش‌شرط بهره‌مندی از سایر حقوق و آزادی‌های اساسی است. از این‌رو، نظام‌های حقوقی و ساختارهای حکمرانی مکلف هستند، شرایطی فراهم آورند که این حق به‌صورت واقعی، مؤثر و برابر در دسترس همه آحاد جامعه قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین اقتضانات تحقق حق بر سلامت، تسهیل دسترسی شهروندان به خدمات دارویی، درمانی و بهداشتی است. این دسترسی نباید صرفاً در سطح اسمی یا قانونی باقی بماند بلکه باید از حیث جغرافیایی، اقتصادی، زمانی و کیفیت خدمات نیز تضمین شود. حق بر سلامت صرفاً یک حق اعلامی یا آرمانی نیست بلکه مستلزم رفع موانع ساختاری، ایجاد حمایت‌های نهادی، اتخاذ اقدامات تعمیمی و اعمال مداخلات حمایتی هدفمند است؛ به‌ویژه در قبال گروه‌های خاص و بخش‌های آسیب‌پذیر جامعه که به‌طور مضاعف در معرض محرومیت از خدمات سلامت قرار دارند. از این منظر دولت‌ها مکلف هستند، در شرایطی که بخشی از شهروندان (به‌ویژه دهک‌های پایین درآمدی) به دلیل فقر، نابرابری منطقه‌ای، یا ضعف زیرساخت‌های سلامت، دسترسی محدود یا نابرابر به خدمات دارویی، درمانی و بهداشتی دارند، زمینه‌های بیمه‌ای فراگیر، پوشش‌های تأمین پایدار و بسته‌های حمایتی مؤثر را طراحی و اجرا کنند. این حمایت‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم درمان، مانعی برای بهره‌مندی شهروندان از خدمات سلامت نباشد. از منظر حقوق رفاهی، این سیاست‌ها قابلیت ارزیابی، سنجش و پاسخگویی دارند و باید بر پایه شاخص‌های عدالت، کارآمدی و اثربخشی مورد بازبینی مستمر قرار گیرند. دولت‌های خدمات‌محور در راستای ایفای وظیفه حمایتی خود مکلف هستند، سازوکارهایی ایجاد کنند که شهروندان بتوانند بدون هرگونه سوداگری، رانت‌جویی، مداخله گروه‌های ذی‌نفع یا گرفتار شدن در دالان‌های تعارض منافع به خدمات سلامت به‌صورت سریع، آسان، باکیفیت و مقرون‌به‌صرفه دسترسی داشته باشند. سلامت عمومی به‌عنوان یک کالای عمومی و نه یک کالای صرفاً بازاری باید از منطق سوداگری و انحصار فاصله بگیرد و در چارچوب منافع عمومی مدیریت شود. این رویکرد، ریشه در سیاست‌های کلی نظام و اصول و موازین حقوق اساسی دارد. در اسناد بالادستی و سیاست‌های کلان نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران، توجه ویژه‌ای به حق بر سلامت، خدمات دارویی، درمانی و بهداشتی شده است؛ به‌گونه‌ای که حق حیات به‌مثابه حقی بنیادین، شالوده‌سایر حقوق شهروندی تلقی شده و تضمین و تکریم آن مورد تأکید قرار گرفته است. بدون تضمین حق بر سلامت، سخن گفتن از کرامت انسانی، عدالت اجتماعی و توسعه پایدار فاقد پشتوانه عملی خواهد بود. نکته حائز اهمیت آن است که دولت‌ها در حوزه تنظیم‌گری و مقررات‌گذاری نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. تنظیم‌گری مؤثر مستلزم آن است که دولت‌ها بسترهایی فراهم آورند تا دست سودجویان و واسطه‌های غیرضروری از حوزه سلامت کوتاه شود و زنجیره تأمین، توزیع و ارائه خدمات سلامت شفاف، پاسخگو و عادلانه عمل کند. فقدان تنظیم‌گری کارآمد، می‌تواند به گسترش فساد، افزایش هزینه‌های درمان، کاهش کیفیت خدمات و در نهایت تضعیف اعتماد عمومی بینجامد. در این چارچوب، اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که ناظر بر تأمین حقوق اساسی، رفع تبعیض، تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد امکانات عادلانه برای همه شهروندان است، دلالت‌های روشنی بر تعهد دولت در حوزه سلامت دارد. این اصل، دولت را مکلف می‌کند که از طریق سیاست‌گذاری‌های عادلانه و مداخلات مؤثر، زمینه دسترسی برابر شهروندان به خدمات رفاهی، بهداشتی و درمانی را فراهم آورد. همچنین در پیش‌نویس قانون اساسی، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های قوه مؤسس جمهوری اسلامی، حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر و دهک‌های مستضعف بوده است. این رویکرد نشان می‌دهد که از آغاز شکل‌گیری نظام حقوقی جمهوری اسلامی، توجه به عدالت اجتماعی و حمایت از اقشار محروم به‌عنوان یک اصل راهبردی مدنظر بوده است. از این منظر، حق بر سلامت باید در صدر اولویت‌های سبد حمایتی حکمرانی قرار گیرد و نه تنها به‌عنوان یک تعهد اخلاقی بلکه به‌مثابه یک الزام حقوقی و حکمرانی مورد توجه مستمر و مؤثر واقع شود.

حذف ارز ترجیحی

لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ از سوی رئیس‌جمهور تقدیم مجلس شد
این لایحه با هدف اصلاح ساختار اقتصادی، حذف بودجه نهادهای غیرمؤثر
و مدیریت منابع تهیه شده است. سازندگی به این موضوع پرداخته است



عاطفه شمس

گروه سیاسی



روز گذشته، بهارستان صحنه‌ای از تضاد میان اضطراب و تشریفات بود؛ روزی سرنوشت‌ساز برای اقتصاد کشور که در دو نیمه

رقم خورد. نیمه اول، در یک جلسه غیرعلنی و اضطرابی، تیم اقتصادی دولت برای یافتن راه‌حلی فوری برای بحران گرانی و نوسانات ارزی که قدرت خرید مردم را نشانه رفته است به تکاپو افتاد. نیمه دوم اما، با تشریفات رسمی قانونگذاری همراه بود؛ جایی که رئیس‌جمهور با تقدیم لایحه بودجه ۱۴۰۵ روند بررسی دخل و خرج سال آینده کشور را کلید زد. لایحه بودجه ۱۴۰۵ با مجموعه‌ای از تغییرات کلیدی در حوزه معیشت و اقتصاد، تقدیم مجلس شد که مهم‌ترین آنها شامل افزایش ۲۰ درصدی حقوق، حذف کامل ارز ترجیحی، افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده به ۱۲ درصد و بالا رفتن سقف معافیت مالیاتی به ۴۰ میلیون تومان است. این چهار محور، شاکله اصلی دخل و خرج سال آینده کشور را تشکیل می‌دهند و بیشترین تأثیر را بر زندگی روزمره شهروندان خواهند داشت.

افزایش ۲۰ درصدی حقوق و حداقل حقوق ۱۴ میلیونی

جلسه علنی بعدازظهر با ورود رئیس‌جمهور برای تقدیم لایحه بودجه سال آینده رسماً آغاز شد. این رویداد سالانه، همواره نقطه آغاز یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاسی میان دولت و مجلس بوده است. در این لایحه، دولت چشم‌انداز خود از منابع درآمدی و مصارف کشور را برای سال آتی ارائه می‌کند و مجلس به‌عنوان نماینده مردم، وظیفه بررسی، اصلاح و تصویب آن را برعهده دارد.

اما در میان انبوه اعداد و ارقام جداول بودجه، دو عدد بیش از همه توجهات را به خود جلب کرد؛ پیشنهاد افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارمندان و بازنشستگان و تعیین حداقل حقوق بازنشستگان به مبلغ ۱۴ میلیون تومان برای سال ۱۴۰۵. این ارقام که به‌طور مستقیم بر زندگی ده‌ها میلیون نفر تأثیر می‌گذارد، بازتابی از رویکرد محتاطانه دولت در مواجهه با تورم بود؛ تلاشی برای افزایش درآمد حقوق‌بگیران بدون آنکه به موتور تورم سوخت بیشتری برساند. اما به‌نظر می‌رسد این رویکرد محتاطانه به هیچ‌وجه رضایت نمایندگان را جلب نکرده است. هنوز جوهر امضای رئیس‌جمهور بر لایحه بودجه خشک نشده و پیش از تقدیم لایحه، سخنگوی هیات رئیسه مجلس در جمع خبرنگاران، موضع قاطع قوه مقننه را اعلام کرد و گفت که «قطعاً مجلس پای ۲۰ درصد افزایش حقوق نخواهد ایستاد و حتماً آن را اصلاح خواهد کرد». در واقع، مجلس پیشاپیش و قبل از شروع رسمی بررسی‌ها خط قرمز خود را مشخص کرد. سخنگوی هیات رئیسه در ادامه استدلال مجلس را اینگونه تشریح کرد: «ما معتقد هستیم اگر در جایی درآمد حاصل می‌شود باید به جیب و سفره مردم برود». این موضع‌گیری احتمالاً نشان از آغاز یک نبرد جدی در کمیسیون تلفیق بودجه دارد و نمایندگان خود را برای یک چانه‌زنی سخت با سازمان برنامه و بودجه آماده می‌کنند.

| ادامه در صفحه ۲

گزارش

گویی نمی فهمند!

عصبانیت پزشکيان

از نسخه‌نویسی غیرمتخصص‌ها برای اقتصاد

گروه سیاسی: روز گذشته ویدئویی متفاوت از سخنرانی مسعود پزشکیان در سفر اخیرش به خراسان جنوبی در فضای مجازی بازنشر شد که می‌توان آن را یک نقطه‌عطف استراتژیک در شیوه مواجهه دولت با رقبای سیاسی‌اش و خط و نشانی آشکار برای جریانی تلقی کرد که به باور دولت، با تکیه بر راه‌حل‌های ساده‌انگارانه و غیرکارشناسی، در پی کسب محبوبیت از دل بحران‌های پیچیده کشور است. هسته اصلی سخنان پزشکیان در این ویدئو که به زعم برخی از تحلیلگران و کاربران فضای مجازی به نظر می‌رسد که سعید جلیلی را هدف گرفته به نسخه‌نویسی‌های بی‌پشتوانه اشاره دارد. تأکید رئیس‌جمهور بر اینکه «اقتصاد ۱۲۶ زیرشاخه تخصصی دارد» و انتقاد تند از اینکه «یکی می‌آید که یک تخصص دارد و برای همه اینها نسخه می‌نویسد» در واقع، حمله مستقیم به تفکری است که معتقد است، می‌توان با یک کلید ایدئولوژیک، تمام قفل‌های اقتصادی و مدیریتی را باز کرد! رویکردی که از نگاه پزشکيان، نه تنها «بیخود» و ناکارآمد است بلکه با فریب افکار عمومی نیز همراه است: «کسانی هم که برایش کف می‌زنند، نمی‌فهمند این شخص دارد، سرشان کلاه می‌گذارد».

در بخش دیگری از این سخنرانی، پزشکيان یک استراتژی دوگانه را به‌کار می‌گیرد. او ابتدا با طرح پرسش‌هایی مثل اینکه «مگر مشکل بی‌آبی را ما به‌وجود آورده بودیم که اکنون می‌پرسیدف چه شده؟» ضمن پذیرش وجود بحران، مسئولیت ایجاد آن را متوجه گذشته می‌کند و با ارائه آمار، تصویری از وضعیت ابتدای کار دولت ترسیم می‌کند: «معضلات آب، برق، گاز، چالش‌های اقتصادی نظیر تورم و مسائل سیاست خارجی، موضوعات جدیدی نیستند که به‌تازگی رخ داده باشند. ما در شرایطی مسئولیت را برعهده گرفتیم که با نزدیک به ۲۰ هزار مگاوات کسری برق مواجه بودیم. علاوه بر این به دلیل کاهش بارندگی‌ها ۱۴ هزار مگاوات از ظرفیت تولید برق‌آبی نیز محقق نشد و به این کسری افزوده شد. وضعیت در آبان ماه سال گذشته به‌گونه‌ای بود که خطر خاموشی سراسری وجود داشت. ذخایر سوخت نیروگاهی ما از ۳/۵ میلیارد لیتر به تنها یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون لیتر کاهش یافته بود». اما بلافاصله پس از این موضع با ارائه آمار و ارقام، وارد فاز تهاجمی می‌شود. اشاره او به مدیریت کسری ۲۰ هزار مگاواتی برق، افزایش ذخایر سوخت، فعالیت ۸۰ استاد دانشگاه برای تدوین نقشه آب، رشد سه برابری ظرفیت پل‌های خورشیدی و کنترل ۱۵ میلیارد مترمکعب از گازهای مشعل همگی تلاشی برای ساختن یک روایت جایگزین است و پیامش هم روشن است: ما در حال حل مشکلاتی هستیم که شما یا ایجاد کرده‌اید یا از حل آن عاجز بوده‌اید و این کار را نه با شعار که با تکیه بر متخصصان انجام می‌دهیم.

پزشکيان در مهم‌ترین بخش سخنانش با بیان اینکه «علم اقتصاد دارای ۱۲۶ زیرشاخه تخصصی است» از نسخه‌نویسی غیرمتخصص‌ها برای اقتصاد انتقاد می‌کند و می‌گوید: «چگونه است که فردی با داشتن تنها یک تخصص برای تمام این حوزه‌ها نسخه تجویز می‌کند؟ این کار بیهوده‌ای است. بنده خود می‌دانم که با اینکه استاد اقتصاد نیستم اما به این درک رسیده‌ام که نباید در حوزه‌ای که در آن تخصص ندارم، نسخه بنویسم. ولی کسی که پشت تریبون، حرف‌های بی‌ربط می‌زند و عده‌ای هم برایش کف می‌زنند، مشخص است که این موضوع را نمی‌فهمد؛ کسانی هم که برایش کف می‌زنند، نمی‌فهمند این شخص دارد، سرشان کلاه می‌گذارد». درواقع، رئیس‌جمهور با جدا کردن خود از این رویکرد با بیان اینکه «بنده با اینکه استاد اقتصاد نیستم اما به این درک رسیده‌ام که نباید در حوزه‌ای که در آن تخصص ندارم، نسخه بنویسم»، مشروعیت علمی رقیب را زیر سوال برده و آن را به پوپولیسم تقلیل می‌دهد و به نظر می‌رسد، عصبانیت او یک استراتژی حساب‌شده برای ترسیم یک دوقطبی معنادار در عرصه سیاسی کشور است؛ دوقطبی «تخصص‌گرایی» در برابر «ادعاهای پوپولیستی». پزشکيان با این سخنان، هزینه انتقادهای غیرکارشناسی را بالا می‌برد و رقبای خود را وادار می‌کند تا به‌جای کلی‌گویی وارد جزئیات شوند. این طغیان را شاید بتوان اعلام رسمی پایان دوره تعارفات سیاسی و آغاز یک رویارویی جدی بر سر مدل اداره کشور دانست.

ادامه تیتريک

حذف ارز ترجیحی

جزئیات لایحه بودجه سال ۱۴۰۵

براساس لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ که توسط دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد، تغییرات گسترده‌ای در حوزه‌های اقتصادی، معیشتی و مالی کشور پیش‌بینی شده است. این لایحه با هدف اصلاح ساختار اقتصادی و مدیریت منابع و مصارف تدوین شده و محورهای مهمی را در بر می‌گیرد.

در بخش حقوق و دستمزد، همان طور که پیش‌تر گفته شد، دولت پیشنهاد افزایش ۲۰ درصدی حقوق کلیه کارمندان و بازنشستگان را ارائه کرده است. در همین راستا حداقل حقوق بازنشستگان برای سال آینده ۱۴ میلیون تومان تعیین شده است. همچنین حقوق سربازان و مستمری مددجویان تحت پوشش نهادهای حمایتی نیز مشمول افزایش ۲۰ درصدی خواهد شد. یکی از مهم‌ترین تحولات این لایحه، حذف کامل ارز ترجیحی است. منابع حاصل از این اقدام که بالغ بر ۵۷۲ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود به‌طور مستقیم به بخش یارانه‌ها و طرح کالابرگ الکترونیکی خانوار تخصیص خواهد یافت. دولت همچنین درآمد نفتی خود را ۱۸۵ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی و مقرر کرده که تمام ارز حاصل از صادرات نفت با نرخ تالار دوم به فروش برسد.

در حوزه مالیات، نظام درآمدی دولت شاهد تحولات قابل‌توجهی است. نرخ مالیات بر ارزش افزوده با ۳ واحد درصد افزایش از ۹ درصد به ۱۲ درصد خواهد رسید که ۲ واحد درصد از این افزایش مشخصاً برای تأمین منابع طرح کالابرگ الکترونیکی در نظر گرفته شده است. در مجموع درآمدهای مالیاتی دولت با رشد ۶۲ درصدی به ۲،۹۶۱ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است. از سوی دیگر با هدف حمایت از حقوق‌بگیران، سقف معافیت مالیاتی سالانه به ۴۸۰ میلیون تومان/ماهانه ۴۰ میلیون تومان) افزایش یافته است که این رقم ۶۶.۶ درصد بیشتر از سال ۱۴۰۴ است. پلکان‌های مالیاتی جدید نیز به این صورت تعریف شده که درآمد مازاد بر ۴۰ تا ۸۰ میلیون تومان مشمول ۱۰ درصد مازاد بر ۸۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان ۱۵ درصد، مازاد بر ۱۰۰ تا ۱۲۰ میلیون تومان ۲۰ درصد، مازاد بر ۱۲۰ تا ۱۴۰ میلیون تومان ۲۵ درصد و درآمدهای بالاتر از ۱۴۰ میلیون تومان مشمول نرخ ۳۰ درصد مالیات خواهند بود.

در زمینه سیاست‌های ارزی و گمرکی، نرخ ارز مبنا برای محاسبه حقوق ورودی گمرکی معادل ۱۰۳ هزار تومان برای هر یورو و حدود ۸۵ هزار تومان برای هر دلار تعیین شده است. همچنین در راستای تنظیم بازار خودرو، تعرفه گمرکی برای واردات خودروهای هیبریدی، بنزینی با حجم موتور زیر ۱۵۰۰ سی‌سی و بنزینی با حجم موتور ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ سی‌سی کاهش خواهد یافت.

در بخش بودجه دستگاه‌ها، اعتبارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات با رشد ۲۷ درصدی به ۳۰ هزار میلیارد تومان رسیده و بودجه سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی نیز دو برابر شده است. بودجه سازمان صداوسیما با افزایش حدود ۲۰ درصدی به ۳۳.۵ هزار میلیارد تومان رسیده اما همزمان سهم مراکز استانی این سازمان از اعتبارات توازن منطقه‌ای کاهش یافته است. بودجه مرکز خدمات حوزه‌های علمیه نیز به میزان ۱۶.۴ هزار میلیارد تومان برآورد شده است.

در بخش بودجه نهادهای فرهنگی و مذهبی، ارقام قابل‌توجهی برای سال ۱۴۰۵ در نظر گرفته شده است. براساس لایحه تقدیمی، مرکز خدمات حوزه‌های علمیه با بودجه‌ای معادل ۱۶.۴۲ هزار میلیارد تومان، بیشترین سهم را در میان این نهادها به‌خود اختصاص داده است. پس از آن، شورای عالی حوزه‌های علمیه با ۷.۴۵ هزار میلیارد تومان و سازمان تبلیغات اسلامی با ۶.۷۷ هزار میلیارد تومان در رتبه‌های بعدی قرار دارند. همچنین بودجه جامعه المصطفی‌العالمیه معادل ۱.۸۶ هزار میلیارد تومان و بودجه شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱.۲۲ هزار میلیارد تومان برآورد شده است.

افزایش عوارض خروج از کشور نیز به صورت پلکانی تعیین شده است. بر اساس این لایحه، هزینه خروج برای هر مسافر در سفر اول ۹۰۰ هزار تومان، در سفر دوم به ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان و برای سفرهای سوم و بیشتر به ۲

میلیون و ۲۰۰ هزار تومان افزایش می‌یابد.

از دیگر نکات مهم لایحه می‌توان به پیش‌بینی افزایش ۴۵ درصدی قیمت برق، برآورد انتشار ۹۴۰ هزار میلیارد تومان اوراق مالی، تعیین سقف ۵.۳ میلیارد یورویی برای فروش یا تهاتر نفت همچنین سقف ۲۰ میلیارد دلاری برای استفاده از تأمین مالی خارجی (فاینانس) اشاره کرد.

بحران آب، فراتر از بودجه

در جلسه دیروز و درحالی‌که انتظار می‌رفت، رئیس‌جمهور از ارقام بودجه و سیاست‌های اقتصادی دولتش دفاع کند، پزشکيان بخش قابل‌توجهی از نطق خود را به موضوع بحران آب اختصاص داد که شاید در نگاه اول ارتباط مستقیمی با جداول دخل و خرج سال آینده نداشت اما تلاشی بود برای ارتقای سطح بحث از مسائل روزمره اقتصادی به یک چالش وجودی و بلندمدت که آینده تمام کشور را تهدید می‌کند.

پزشکيان سخنان خود را بر پایه یک گزارش جامع و مستند از سوی نزدیک به ۸۰ نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها بنا نهاد و با حیاتی و ضروری خواندن مسئله آب، اعلام کرد که این گزارش علمی در اختیار نمایندگان نیز قرار گرفته تا اصلاح وضعیت با همدلی پیش برود. رئیس‌جمهور با استناد به این گزارش، اعترافی تلخ اما صادقانه کرد: «داده‌های گزارش این اساتید نشان می‌دهد که به‌رغم تمام قوانینی که از ابتدای انقلاب برای مصرف بهینه آب نگارش شده، وضعیت آب روز به‌روز بدتر شده است». رئیس‌جمهور در ادامه، مسیر سیاستگذاری‌های گذشته را به چالش کشید و خواستار بازگشتی صادقانه از تصمیمات غلط شد. به گفته او، قوانینی که برای اصلاح نوشته شده بودند، در عمل مشکلات را «پیچیده‌تر» کرده‌اند.

پزشکيان همچنین با اشاره به یکی از نمایندگان که مدعی داشتن طرح برای حل مسئله آب بود از تریبون رسمی مجلس اعلام کرد: «بنده از همین جا اعلام می‌کنم که بیابند طرح خود را در یک استان پیاده‌سازی کنند و اگر توانستند مشکل را حل کنند، در بقیه کشور نیز اجرا خواهیم کرد... این گوی و این میدان». این پیشنهاد، هم یک دعوت به همکاری و هم یک چالش بود که بار اثبات را از دوش دولت برداشته و برعهده منتقدان می‌گذارد.

رئیس‌جمهور همچنین هشدار داد که مسئله آب در حال تبدیل شدن به یک بحران اجتماعی و امنیتی است. او به اختلافات میان استان‌های اصفهان، چهارمحال و بختیاری، خوزستان و یزد اشاره کرد و گفت: «هموطنان ما که در انقلاب جان و تنه‌ای خود را فدا کردند، امروز بر سر مسئله آب با هم اختلاف دارند». او تأکید کرد که راه‌حل تقسیم آب یا دعوا بر سر آن نیست بلکه نیازمند یک نگاه جامع به اقتصاد آب، کشاورزی، صنعت و آبیاری است. راه‌حل پیشنهادی او نیز «اعتماد به نخبگان و سپردن کار به کارشناسان» بود. طرح دولت نیز اجرای یک نقشه راه علمی در ۱۲ منطقه آبریز کشور است که توسط دانشگاهیان و متخصصان هر منطقه تدوین می‌شود. پزشکيان برای خروج



از بحران‌ها، خواستار پرهیز از تصمیمات غیرکارشناسی و سیاست‌زده و در مقابل، اعتماد به متخصصانی شد که عمر خود را وقف مطالعه این مسائل کرده‌اند.

تعامل همدلانه مجلس و دولت

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس هم در پایان جلسه غیرعلنی صبح به‌رغم موضع اخیرش درباره «ضرورت ترمیم کابینه و آغاز فرآیند استیضاح از سوی نمایندگان در صورت عدم انجام اصلاحات توسط رئیس‌جمهور» که بسیاری از تحلیلگران آن را تهدید دولت تلقی کردند با تأکید بر لزوم همکاری مجلس و دولت، مسیر حرکت مجلس را مشخص کرد و گفت: «حل مشکلات مردم در یک تعامل درست و همدلانه با رعایت حدود و اختیارات قانونی بین دولت و مجلس انجام می‌شود». او ضمن تأکید بر اینکه «بدون همدلی نمی‌توان مشکلات را حل کرد» به دولت اطمینان داد که «مجلس خود را نهادی در کنار دولت و کمک قوه

مجریه می‌داند».

پیش از آغاز جلسه علنی، مجلس در نشستی فشرده و غیرعلنی، میزبان تیم اقتصادی دولت بود. برگزاری جلسه به این شکل، نشان از فوریت و حساسیت موضوعات داشت؛ مباحثی که دولت و مجلس ترجیح می‌دادند به دور از هیاهوی رسانه‌ای و تأثیرات آنی بر بازار به راه‌حلی مشترک برای آنها برسند.

در این جلسه، دولت از تدوین یک مصوبه ۱۷ بندی برای بهبود معیشت مردم خبر داد. یکی از محورهای اصلی این مصوبه، اجرای طرح کالابرگ الکترونیکی به شیوه‌ای جدید بود. دولت تضمین داد که زیرساخت‌های لازم برای اجرای این طرح مهیاست و برای سه‌ماهه پایانی سال ۲/۵ میلیارد دلار به آن اختصاص داده است.

مهم‌تر از آن، بحث بر سر اصلاح شیوه پرداخت ارز ترجیحی بود. گزارش‌های ارائه شده در جلسه حاکی از آن بود که بیش از ۱۰ میلیارد دلار ارز ترجیحی تخصیص‌یافته در ۹ ماهه امسال به دلیل ناکارآمدی و زمینه‌های فساد، «به هدف اصابت نکرده» و نتوانسته مانع گرانی کالاهای اساسی شود. تصمیم کلیدی اتخاذ شده این بود که این یارانه به‌جای پرداخت به ابتدای زنجیره (واردکنندگان) به انتهای زنجیره یعنی خود مردم پرداخت شود. این یک تغییر ریل بزرگ در سیاستگذاری ارزی بود که حذف آن حذف رانت و رساندن مستقیم حمایت دولتی به سفره‌های مردم بود. هدف نهایی این سیاست‌ها نیز آن‌طور که سخنگوی هیات رئیسه اعلام کرد، ایجاد اطمینان خاطر در مردم برای تأمین ۱۰ تا ۱۱ قلم کالای اساسی، فارغ از نوسانات نرخ ارز است.

به‌نظر می‌رسد، دولت و مجلس بر سر لزوم بهبود شرایط اقتصادی توافق دارند اما بر سر چگونگی و میزان آن، اختلاف‌نظرهای جدی پابرجاست. چالش اصلی در هفته‌ها و ماه‌های آینده در کمیسیون تلفیق و صحن علنی مجلس بر سر لایحه بودجه ۱۴۰۵ رخ خواهد داد؛ رایزنی‌هایی که نتیجه آن مستقیماً بر زندگی و آینده اقتصادی تک‌تک ایرانیان تأثیر خواهد گذاشت.

بلاتکلیفی سیاسی

عراق در انتظار معرفی نخست وزیر جدید

گروه بین الملل: انتخابات پارلمانی اخیر عراق اگرچه با پیشتازی ائتلاف «بازسازی و توسعه» به رهبری محمد شیاع السودانی به پایان رسید اما نتایج آن بیش از آنکه مسیر تشکیل دولت را هموار کند، صحنه‌ای پیچیده و چندلایه از رقابت‌های سیاسی را پیش روی بغداد قرار داده است. حزب سودانی با کسب ۴۱ کرسی در پارلمان ۳۲۹ نفره عراق در صدر فهرست‌ها ایستاد؛ موفقیتی قابل توجه که با این حال برای تشکیل کابینه‌ای مستقل کافی نیست و نخست‌وزیر کنونی را ناگزیر از بازگشت به معادلات ائتلافی به‌ویژه در قالب «چارچوب هماهنگی» شیعیان می‌کند.

محمد شیاع السودانی که در این انتخابات در پی تمدید حضور خود در رأس قوه مجریه بود، تلاش کرد چهره‌ای از خود به‌نمایش بگذارد که قادر است پس از سال‌ها بحران، بن‌بست سیاسی و ناامنی، ثبات را به عراق بازگرداند. با این‌حال تناقض اصلی در موقعیت او آنجاست که سودانی عملاً در قامت رقیب انتخاباتی همان ائتلافی ظاهر شد که ۴ سال پیش، او را به‌قدرت رسانده و همچنان بخش مهمی از پشتوانه سیاسی‌اش بشمار می‌رود. این وضعیت، موقعیت او را همزمان تقویت و محدود کرده است.

کمیسیون عالی انتخابات عراق، میزان مشارکت نهایی را ۵۶.۱۱ درصد اعلام کرد؛ آماري که از نگاه دولت نشانه‌ای از احیای نسبی

اعتماد عمومی به روند سیاسی است. سودانی نیز در نخستین واکنش‌های خود این مشارکت را «گواه موفقیت نظام سیاسی» خواند و پیروزی حریش را متعلق به همه عراقی‌ها دانست. با این حال واقعیت پارلمانی عراق نشان می‌دهد که هیچ جریان سیاسی به‌تنهایی قادر به تشکیل دولت نیست و روند ائتلاف‌سازی، مطابق تجربه‌های پیشین، می‌تواند ماه‌ها به طول انجامد.

نتایج نهایی انتخابات حاکی از تقویت چشمگیر وزن احزاب شیعه و جریان‌های همسو با مقاومت در پارلمان است. مجموعه احزابی چون بازسازی و توسعه، دولت قانون به رهبری نوری المالکی، بدر، صادقون، حکمت ملی و جنبش حقوق در مجموع بیش از ۱۱۰ کرسی به دست آورده‌اند. در یک نگاه کلی‌تر شیعیان موفق شده‌اند ۱۹۸ کرسی معادل حدود ۶۰ درصد پارلمان را تصاحب کنند؛ رخدادی که بسیاری از ناظران آن را پیروزی‌ای غافلگیرکننده و معنادار ارزیابی می‌کنند.

در این میان، برخی جریان‌ها رشد محسوسی را تجربه کرده‌اند. جنبش «حقوق» از چهار کرسی به هفت کرسی رسیده و جریان صادقون نیز جهشی از ۱۸ به ۲۸ کرسی داشته است. در مقابل احزاب سنی نزدیک به آمریکا، ترکیه و برخی کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس از جمله تقدم به رهبری محمد الحلبوسی



در کنار رقابت بر سر نخست‌وزیری میان سودانی و نوری المالکی، مناصب دیگر نیز محل کشمکش جدی هستند. ریاست مجلس که عرفاً به اهل سنت می‌رسد، میان محمد الحلبوسی و مثنی السامرائی محل مناقشه است و در پشت پرده، اختلافات عمیقی جریان دارد. در سطح ریاست جمهوری نیز که به کردها تعلق دارد، رقابت میان حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی همچنان به بن‌بست رسیده است.

با توجه به نبود توافق نهایی و آغاز نشدن رسمی فعالیت ششمین دوره پارلمان، نگرانی‌ها درباره تکرار سناریوهای پر تنش سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۲۲ افزایش یافته است؛ سناریویی که می‌تواند بار دیگر عراق را وارد دوره‌ای طولانی از چانه‌زنی، تعلیق سیاسی و بی‌ثباتی کند، آن هم در زمانی که این کشور بیش از هر زمان دیگری به انسجام و تصمیم‌گیری سریع نیاز دارد.

دیپلماسی

پاسخ روسیه به پمپئو

ایران می‌تواند برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای را حفظ کند

میخائیل اولیانوف، نماینده دائم روسیه در سازمان‌های بین‌المللی در وین به اظهارات مایک پمپئو، وزیر خارجه پیشین آمریکا، واکنش نشان داد. او در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت که ظاهراً پمپئو از این نکته بی‌اطلاع است که طبق پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، ایران حق دارد برنامه هسته‌ای ملی خود را حفظ کند، مشروط بر اینکه این‌ برنامه صرفاً اهداف صلح‌آمیز را دنبال کند. اولیانوف تأکید کرد که فسخ برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) به‌معنای تغییر وضعیت پیرامون برنامه هسته‌ای ایران نیست و نمی‌تواند این حق قانونی ایران را محدود کند.

پمپئو در اظهارات خود مدعی شد که ایران در تلاش است، برنامه هسته‌ای خود را بازگرداند و خواستار ادامه فشار بر تهران برای جلوگیری از این امر شد. در مقابل اولیانوف یادآوری کرد که مذاکرات فقط باید بر مسائل هسته‌ای متمرکز باشند و نباید به موضوعات موشکی یا امنیت منطقه‌ای کشیده شوند. او با تأیید سخنان اخیر اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، نوشت: «درست است. مذاکرات باید فقط به مسائل هسته‌ای اختصاص داده شود». بقایی پیش‌تر در پاسخ به پرسشی درباره ادعاها در مورد برنامه موشکی ایران و تلاش رژیم صهیونیستی برای استفاده از این موضوع به‌منظور ایران‌هراسی و پیشبرد اقدامات تجاوزکارانه، تأکید کرده بود که برنامه موشکی ایران صرفاً جنبه دفاعی دارد و برای مذاکره ساخته نشده است. اولیانوف نیز افزود که هرگونه تلاش برای گسترش مذاکرات به امنیت منطقه‌ای و مسائل موشکی، کل این فرآیند را غیرواقعی خواهد کرد و آن را شبیه تلاش برای زدن سه نشان با یک تیر دانست. اظهارات نماینده روسیه و سخنگوی وزارت خارجه ایران بر این نکته تأکید دارد که تمرکز مذاکرات باید بر حقوق هسته‌ای قانونی ایران و حفظ چارچوب صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای این کشور باشد و نباید تحت‌تأثیر فشارهای سیاسی یا امنیتی کشورهای خارجی قرار گیرد.



و السیاده به رهبری خمیس الخنجر نتوانسته‌اند، موقعیت خود را نسبت به دوره قبل ارتقا دهند. همزمان ائتلاف «عزم» به رهبری مثنی السامرائی با کسب ۱۵ کرسی، خود را به‌عنوان بازیگری رو به‌رشد مطرح کرده است.

این آرایش جدید پارلمانی، روند انتخاب نخست‌وزیر را به‌شدت پیچیده کرده است. منابع عراقی از آغاز رایزنی‌های فشرده پس از تأیید نتایج توسط دادگاه فدرال خبر می‌دهند. عدی عبدالهادی، عضو ائتلاف چارچوب هماهنگی، اعلام کرده که تعداد نامزدهای جدی نخست‌وزیری به ۵ نفر کاهش یافته و دست‌کم چهار هفته مذاکره برای رسیدن به گزینه اجماعی لازم است. شرط اصلی این ائتلاف، وفاداری کامل نامزد به چارچوب هماهنگی و پرهیز از جاه‌طلبی فردی است؛ موضوعی که احتمال ظهور چهره‌ای کمتر شناخته‌شده را تقویت می‌کند.



تهاجمی ترامپ می‌تواند، دامنه‌ای فراتر از ونزولا پیدا کند. در کنار تهدیدهای نظامی و سیاسی، ترامپ پیش‌تر از «محاصره» همه نفتکش‌های حامل نفت مشمول تحریم خبر داده بود که وارد ونزولا می‌شوند یا از آن خارج می‌شوند. این سیاست، فشار اقتصادی بر کاراکاس را به بالاترین سطح رسانده و صادرات نفت، که شریان اصلی اقتصاد ونزولاست، را بیش از پیش محدود کرده است. تصمیم احتمالی آمریکا برای فروش نفت‌های توقیف شده یا استفاده از آنها برای ذخایر داخلی از نگاه دولت مادورو چیزی جز «غارت منابع ملی» نیست. در واکنش به این مواضع، نیکلاس مادورو با لحنی کنایه‌آمیز گفت اگر رئیس‌جمهور ترامپ بر مسائل داخلی کشور خود تمرکز کند، «در داخل و در سطح جهانف وضعیت بهتری خواهد داشت». او تأکید کرد که آمریکا از نظر اقتصادی و اجتماعی با چالش‌های جدی مواجه است و پرداختن به امور داخلی به‌نفع مردم این کشور و حتی جایگاه جهانی آن خواهد بود. مادورو تلاش کرد، اظهارات ترامپ را نوعی انحراف افکار عمومی آمریکا از مشکلات داخلی توصیف کند.

مجموعه این تحولات نشان می‌دهد، بحران ونزولا وارد مرحله‌ای تازه و پیچیده‌تر شده است؛ مرحله‌ای که در آن تهدید نظامی، فشار اقتصادی و جنگ لفظی دیپلماتیک به‌طور همزمان پیش می‌روند. در چنین فضایی، آینده روابط واشینگتن و کاراکاس بیش از هر زمان دیگری مبهم است و هرگونه اشتباه محاسباتی می‌تواند، پیامدهایی فراتر از مرزهای ونزولا برای کل منطقه آمریکای لاتین به همراه داشته باشد.

در قاچاق موادمخدر در اقیانوس آرام و دریای کارائیب نقش داشته‌اند، بخشی از این راهبرد محسوب می‌شود. طبق گزارش‌ها، دست‌کم ۱۰۰ نفر در جریان این حملات جان خود را از دست داده‌اند؛ آماري که انتقادهای گسترده‌ای را از سوی نهادهای حقوق بشری و برخی دولت‌های منطقه برانگیخته است. منتقدان می‌گویند، آمریکا با توسل به بهانه مبارزه با قاچاق موادمخدر عملاً دامنه مداخله نظامی خود را گسترش داده است.

زمانی که خبرنگاران از ترامپ پرسیدند، آیا هدف نهایی این اقدامات، کنار زدن مادورو از قدرت است، او پاسخی دوپهلو اما تهدیدآمیز داد: «فکر می‌کنم احتمالاً همین‌طور باشد... این به خودش بستگی دارد که چه می‌خواهد بکند. فکر می‌کنم عاقلانه است که این کار را بکند. اما خواهیم دید». ترامپ حتی یک گام جلوتر رفت و هشدار داد که اگر مادورو تصمیم به «مقاومت» بگیرد، «این آخرین باری خواهد بود که می‌تواند مقاومت کند»؛ جمله‌ای که عملاً احتمال تشدید درگیری‌ها را تقویت می‌کند.

رئیس‌جمهور آمریکا در همان کنفرانس خبری، جبهه دیگری از تنش را نیز گشود و به‌تندی به گوستاوو پترو، رئیس‌جمهور کلمبیا حمله کرد. ترامپ در پاسخ به پرسشی درباره انتقادهای پترو از نحوه مدیریت بحران ونزولا توسط واشینگتن، او را «دوست آمریکا» ندانست و حتی کلمبیا را به تولید و ارسال کوکائین به آمریکا متهم کرد. این اظهارات، روابط واشینگتن و بوگوتا که همواره یکی از متحدان سنتی آمریکا در منطقه بوده را وارد مرحله‌ای حساس کرده و نشان می‌دهد، سیاست‌های

آمریکای لاتین

تهدید پشت تهدید

ترامپ برای رئیس‌جمهور ونزولا خط و نشان کشید



گروه بین‌الملل

اظهارات تازه رئیس‌جمهور آمریکا درباره ونزولا، بار دیگر تنش‌های عمیق و چندلایه میان واشینگتن و کاراکاس را به صدر تحولات سیاسی آمریکای لاتین بازگردانده است؛ تنش‌هایی که این بار نه‌تنها با تهدیدهای آشکار علیه نیکلاس مادورو بلکه با نمایش قدرت نظامی و حتی منافع اقتصادی حاصل از توقیف نفت، گره خورده است. دونالد ترامپ روز دوشنبه اول دی ماه در گفت‌وگو با خبرنگاران در اقامتگاه شخصی خود در فلوریدا با لحنی صریح و کم‌سابقه اعلام کرد که «عاقلانه» است رئیس‌جمهور ونزولا از قدرت کناره‌گیری کند؛ جمله‌ای که در فضای سیاسی منطقه بیش از آنکه توصیه‌ای دیپلماتیک تلقی شود به‌مثابه تهدیدی مستقیم تعبیر شد.

ترامپ در ادامه این اظهارات، بدون پرده‌پوشی به سرنوشت نفت‌هایی اشاره کرد که در هفته‌های اخیر توسط آمریکا در سواحل ونزولا توقیف شده‌اند. او گفت ایالات متحده می‌تواند این محموله‌ها را «نگه دارد یا بفروشد»؛ موضعی که نشان می‌دهد، واشینگتن نه‌تنها به اعمال فشار سیاسی و نظامی بسنده نکرده بلکه منافع اقتصادی حاصل از این فشار را نیز بخشی از راهبرد خود می‌داند. اشاره ترامپ به امکان استفاده از این نفت برای پر کردن ذخایر راهبردی آمریکا، معنایی فراتر از یک تصمیم مقطعی دارد و حاکی از پیوند مستقیم سیاست خارجی تهاجمی با محاسبات انرژی و اقتصاد داخلی ایالات متحده است.

در کنار این مواضع، رئیس‌جمهور آمریکا از آغاز ساخت ناوهای جنگی جدید نیروی دریایی این کشور با عنوان «کلاس ترامپ» خبر داد؛ ناوهایی که به گفته او سریع‌ترین، بزرگ‌ترین و «صد برابر قدرتمندتر» از هر ناو جنگی ساخته‌شده تا امروز خواهند بود. ترامپ اعلام کرد که دو ناو نخست این کلاس وارد مرحله ساخت شده‌اند و در مجموع، برنامه‌ریزی برای ساخت ۲۵ ناو جنگی در دستور کار قرار دارد. هرچند این بخش از سخنان او مستقیماً به ونزولا مرتبط نبود اما هم‌زمانی آن با تهدیدهای آشکار علیه مادورو، از نگاه بسیاری از تحلیلگران، حامل پیامی روشن برای کشورهای منطقه است: آمریکا آماده نمایش قدرت نظامی در کنار فشار سیاسی است.

کارزار فشار دولت ترامپ علیه ونزولا در ماه‌ها و سال‌های اخیر، تنها به اظهارات رسانه‌ای محدود نبوده است. افزایش حضور نظامی آمریکا در اطراف این کشور آمریکای جنوبی و انجام حملات متعدد به شناورهایی که به ادعای واشینگتن

ویرتین: تازه‌های کتاب

رسوایی نویسنده پرفروش

دیوید ویلیامز نویسنده مشهور بریتانیایی

به خاطر آزار جنسی بایکوت شد



بوگندو» و «مادر بزرگ گانگستر» اشاره کرد.

دیوید ویلیامز چند سال پیش در گفت‌وگو با «گاردین» درباره تأثیر پذیری از جورج اورول گفته بود: «آثار جورج اورول از نظر سیاسی، تأثیر زیادی بر روی من داشت. البته من «مزرعه حیوانات» را زمانی که کودک بودم و «۱۹۸۴» را زمانی که نوجوان بودم خواندم؛ اما کتاب‌های غیرداستانی او را نیز دوست داشتم.» و دربارهٔ این‌که کدام کتاب زندگی‌اش را تغییر داده، گفته بود: «اورلاندو نوشتهٔ ویرجینیا وولف. در ابتدا فیلم باشکوهی که سالی پاتر کارگردانی کرده است را تماشا کردم و بعد به سراغ زمان رفتم. به نظر من این یک کتاب کودک برای بزرگسالان است. این کتاب باعث شد به این نتیجه برسم که برای یک نویسنده تنها پارامتر داستان‌پردازی، قدرت تخیل خود نویسنده است.»

متهمان دیگر آزار جنسی

پیش از دیوید ویلیامز در جریان جنبش «#MeToo» دو نویسنده مطرح آمریکایی حوزهٔ ادبیات کودک و نوجوان هم به آزار جنسی متهم شده بودند. این دو نویسنده جیمز دشنر، نویسندهٔ رمان «دونده ماریپج» و جی آشر، نویسنده کتاب «۱۳ دلیل برای این‌که» که به تعرض جنسی متهم شده بودند.

آنه اورسو، نویسنده ادبیات کودک، تحقیقی را به صورت آنلاین انجام داده و نظرات کاربران را دربارهٔ تعرض‌های چهره‌های مطرح این حوزه خواستار شده؛ نتیجه این بود که صدها نفر نام چندین نویسنده مشهور را به عنوان متعرض مطرح کرده و در فضای مجازی از تجربیات تلخ خود با آن‌ها نوشتند. پس از وارد شدن این اتهام‌ها به صورت آنلاین و متهم شدن دشنر از سوی چندین فرد ناشناس، مدیر برنامه‌های ادبی این نویسنده اعلام کرد دیگر تمایل ندارد با او همکاری کند. از دیگر نام‌های سرشناسی که در این تحقیق آنلاین از سوی چندین نفر به تعرض جنسی متهم شده، جی آشر، نویسنده رمان‌های نوجوان از جمله «۱۳ دلیل برای این‌که» و «آیندهٔ ما» بود. بنگاه ادبی‌ای که این نویسنده با او همکاری می‌کرد از او خواسته کناره‌گیری کند و به این همکاری پایان دهد. انجمن نویسندگان و تصویرگران کتاب کودک (SCBWI) هم اعلام کرده بود: از جی آشر خواسته شد تا در هیچ‌یک از برنامه‌های انجمن حضور پیدا نکند. عضویت او لغو شد و او دیگر بخشی از «SCBWI» نیست. این تصمیم ما بود و او هم موافقت کرد.

این در حالی است که این نویسنده از طریق سخنگوی خود این بیانیه را تکذیب و اعلام کرده، او به خواست خود انجمن را ترک کرده است. «تامارا تیلور» به نمایندگی از او گفته است: اظهارنظر «SCBWI» اصلا صحت ندارد و هیچ اتهام و تحقیقی در زمینه تعرض جنسی در کار نبوده است. آقای «آشر» از آوریل ۲۰۱۷ به خواست خود دیگر در جلسات انجمن شرکت نمی‌کند و دلیل آن هم احساسات جریحه‌دار شده جمعی از نویسندگان بود که به خواست خود با او ارتباط داشتند اما این روابط به خوبی پایان نپذیرفت.

دیوید ویلیامز، نویسنده پرفروش بریتانیایی پس از مطرح شدن اتهام‌هایی دربارهٔ رفتار نامناسب با زنان، از حضور در جشنوارهٔ ادبی واتر استونز کنار گذاشته شد. این تصمیم تنها چند روز پس از آن اتخاذ شد که ناشر او، هارپرکالینز هم هم‌کاری خود را با این نویسنده قطع کرد. قرار بود ویلیامز در تاریخ ۷ فوریه در این جشنوارهٔ ادبی حضور پیدا کند، اما اکنون نام او از فهرست سخنرانان وب‌سایت جشنواره حذف شده است. سخنگوی واتر استونز به روزنامهٔ «گاردین» گفت: «هارپرکالینز تأیید کرده است که دیوید والیامز دیگر در جشنواره حضور نخواهد داشت.»

به گزارش روزنامهٔ «تلگراف»، انتشارات هارپرکالینز پس از انجام تحقیقاتی دربارهٔ اتهام‌های مربوط به رفتار نامناسب ویلیامز با زنان جوان، تصمیم به قطع همکاری با او گرفت. بر اساس این گزارش، شکایت‌هایی مطرح شده بود مبنی بر این‌که او کارکنان زن جوان در این انتشارات را مورد آزار و اذیت قرار داده است. گفته می‌شود یکی از زنانی که این نگرانی‌ها را مطرح کرده بود، پس از دستیابی به توافقی که شامل پرداخت مبلغی پنج‌رقمی می‌شد، شرکت را ترک کرده است. در نهایت، ناشر پس از پایان تحقیق، تصمیم گرفت دیگر کتاب‌های جدیدی از این نویسنده منتشر نکند.

سخنگوی دیوید ویلیامز گفت «او هرگز از هیچ اتهامی که از سوی هارپرکالینز علیه او مطرح شده باشد، مطلع نشده است. ویلیامز هیچ فرصتی برای پاسخ‌گویی به پرسش‌ها نداشته است. او قاطعانه هرگونه رفتار نامناسب را رد می‌کند و در حال دریافت مشاوره حقوقی است.» انتشارات هارپرکالینز در بیانیه‌ای که روز جمعه در اختیار گاردین قرار داد، اعلام کرد: «پس از بررسی دقیق و تحت رهبری مدیرعامل جدید، هارپرکالینز بریتانیا تصمیم گرفته است هیچ عنوان جدیدی از دیوید ویلیامز منتشر نکند.» دو کتاب از آثار ویلیامز با عنوان‌های «آقای استینک» و «پسرک لباس‌پوش» پیش‌تر برای تلویزیون اقتباس شده و به تازگی پخش شده‌اند.

دیوید ویلیامز، هنرپیشه، نویسنده و کم‌دین مشهور متولد ۲۰اگوست ۱۹۷۱ در ویمپلدون لندن انگلستان است. او از ۱۹۹۵ تاکنون در حال فعالیت است. ویلیامز اولین کتاب خود به‌نام The Boy in the Dress را در سال ۲۰۰۸ نوشت. دیوید ویلیامز، دارندهٔ نشان شوالیه بریتانیا و برندهٔ جایزهٔ پرفروش‌ترین کتاب‌های کودکان است. کتاب‌های او بیش از ۲۵ میلیون نسخه در سراسر جهان به فروش رفته است. ویلیامز از سال ۲۰۱۲ مشغول داوری «انگلستان استعداد دارد» در شبکهٔ آی تی وی است و باید منتظر بود که آیا این بایکوت به فعالیت‌های تصویری او هم لطمه می‌زند یا نه. بیشتر مردم او را به خاطر همکاری با مت لوکاس در سریال «انگلس کوچک» و «با من پرواز کن» به خاطر می‌آورند. او در ۲۰۱۰ با لارا استون ازدواج کرد و یک فرزند دارد. ویلیامز فارغ‌التحصیل دانشگاه بریستول است. از کتاب‌های او می‌توان به «دندان پزشکی خبیث»، «پسر میلیاردر»، «دار و دستهٔ نیمه شب»، «عمهٔ ترسناک»، «موش برگر»، «هیولای خبیث»، «آقای

خاموشی صدای جاده‌ها

کریس ریا خواننده و گیتاریست برجسته بریتانیایی درگذشت

بود و مادرش، وینفرد، ایرلندی‌تبار بود. کریس یکی از ۷ فرزند خانواده بود و در نوجوانی در کسب‌وکار خانوادگی بستنی‌فروشی کار می‌کرد. او ابتدا علاقه‌ای به موسیقی نداشت و حتی گواهینامه رانندگی‌اش را با ون بستنی پدرش گرفت. اما اوایل دههٔ ۱۹۷۰ تحت‌تأثیر نوازندگانی مانند جو والش به گیتار اسلاید و سبک بلوز روی آورد. ابتدا در گروه محلی مگدالن (که بعداً به بیوتیفول لوزرز تغییر نام داد) فعالیت کرد سپس در سال ۱۹۷۷ مسیر سولو را در پیش گرفت.

اولین موفقیت بزرگ او در سال ۱۹۷۸ با تک‌آهنگ «Fool s Over (If You Think It)» بود که در آمریکا به رتبهٔ ۱۲ پیلبورد رسید و نامزد جایزهٔ گرمی بهترین هنرمند جدید شد. نخستین آلبوم او «هر آنچه برای بنی سانتینی اتفاق افتاد» در سال ۱۹۷۸ منتشر شد. بنی سانتینی نامی بود که شرکت منتشرکننده آلبوم می‌خواست، کریس ریا به عنوان نام هنری انتخاب کند. در اروپا و بریتانیا، اوج موفقیتش در اواخر دههٔ ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ بود. آلبوم‌های «د رود تو هل» (۱۹۸۹) و «اوبرژ» (۱۹۹۱) هر دو به رتبه اول چارت آلبوم‌های بریتانیا رسیدند. بعد از اینکه ترانهٔ «احمق» او نامزد گرمی شد، چندین سال موفقیتی در آمریکا نداشت اما وقتی آلبوم هشتمش، «کنار ساحل» منتشر شد که ترانه‌ای به همین نام هم در آن بود، در بریتانیا و اروپا بسیار معروف شد و گاهی تک‌آهنگ‌هایش در آمریکا هم پرفرمدار می‌شد. علاقهٔ او به ماشین و رانندگی، الهام‌بخش خیلی از آهنگ‌هایش بود. صدای زمخت و تکنیک نوازندگی گیتارش در ترانه‌هایی مانند «جادهٔ جهنم» جاودانه شده است.

کریس ریا یک فرد برای نمایش‌های بزرگ و با استفاده از جلوه‌ها و افکت‌های ویژه نبود بلکه به صحنه عشق می‌ورزید و علاقه شرکت‌کنندگان در کنسرت و گوش فرادادن آن‌ها به صدایش را کاملاً درک می‌کرد. او خود را درگیر رسوایی و تنگ‌نکرد و زندگی خانوادگی شادی را برای خود ساخته بود. سرگرمی‌های مورد

کریس ریا (Christopher Anton Rea)، خواننده، ترانه‌سرا و گیتاریست برجستهٔ بریتانیایی در سبک راک و بلوز که دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی با ترانه‌هایی مانند «بیا برقصیم» و «جاده جهنم» به شهرت رسید، بعد از یک دوره بیماری، ۲۲ دسامبر و در ۷۴ سالگی درگذشت. او گفته بود سیاست‌گزار خانواده‌اش است که در دوران بیماری سخت از او حمایت کردند. خانوادهٔ ریا در بیانیه‌ای اعلام کردند که او آرام جان باخته و میراث موسیقی‌اش ادامه خواهد داشت. خبر درگذشت کریس ریا، واکنش‌های گسترده‌ای از جمله از باشگاه فوتبال میدلز‌پورو (که او طرفدار پروپاقرصش بود) و هنرمندان دیگر به همراه داشت. او ترانهٔ «بیا برقصیم» را به مناسبت رسیدن تیم فوتبال میدلز‌پورو به فینال جام حذفی ۱۹۷۷ سروده بود. کریس ریا سال‌ها از مشکلات سلامتی مختلف رنج می‌برد. ۳۳ ساله بود که مشخص شد به سرطان لوزالمعده مبتلا شده؛ سال ۲۰۰۱ لوزالمعده‌اش برداشته شد و از آن موقع روزی ۳۴ قرص مصرف می‌کرد. او همچنین به مرض قند مبتلا بود و مشکلات کلیه داشت. سال ۲۰۱۶ نیز سکته کرد اما به موسیقی بازگشت و حتی آلبوم‌های جدیدی منتشر کرد. کریس ریا به عنوان یک «آیکون تی‌ساید» و خالق یکی از محبوب‌ترین ترانه‌های کریسمس شناخته می‌شود. ترانهٔ «در راه خانه برای کریسمس» کریس ریا از سال ۲۰۰۷ هر سال وارد جدول موسیقی بریتانیا شده و یکی از آثار ماندگار او به شمار می‌رود. صدای گرم و سبک خاص کریس، آثار بی‌نظیری در سبک راک و بلوز خلق کرده است. موسیقی‌های او هم‌چون سفری آرام‌بخش در جاده‌های خاطره‌انگیز، روح و ذهن شنونده را نوازش می‌کند.

موفقیت آرام و پیوسته

کریس ریا ۴ مارس ۱۹۵۱ در شهر میدلز‌پورو انگلستان به دنیا آمد. پدرش، کامیلو ریا، ایتالیایی‌تبار (از منطقهٔ آرپینو در استان فروزینونه) و صاحب کارخانهٔ بستنی و کافه‌های خانوادگی

سینمای ایران

هفت دهه حضور ماندگار

یک سال پس از پرواز باشکوه ژاله علو

سوم دی ماه سال ۱۴۰۳ جامعه هنرهای نمایشی ایران یکی از چهره‌های مطرح و قابل اعتماد خود را از دست داد.

ژاله علو که حضور مستمر و ماندگارش در طی حدود ۷۰ سال به بخشی از حافظه تاریخی و جمعی مردم ایران تبدیل شده بود در روزهای ابتدایی زمستان سال گذشته در سن ۹۷ سالگی از دنیا رفت. از خانم علو آثار زیادی به یادگار مانده که برخی از آنها در زمره محبوب‌ترین آثار نمایشی معاصر ایران هستند ازجمله فیلم‌های طوقی ۱۳۴۹ (علی حاتمی)، داش‌آکل ۱۳۵۰ (مسعود کیمیایی)، مهمان مامان ۱۳۸۲ (داریوش مهرجویی) و سریال‌های روزی روزگاری ۱۳۷۱ (ام‌الله احمدجو)، امیرکبیر ۱۳۶۳ (سعید نیک‌پور)، گرگ‌ها ۱۳۶۶ (داوود میرباقری) و البته مجموعه نمایش‌های رادیویی که با صدای او در ذهن مخاطبانش طی سال‌های متمادی جاودانه شدند.

آغاز زندگی

در سال ۱۳۰۶ در کوچه شریعت، واقع در محله سنگلج تهران به دنیا آمد.م. در یک خانواده که اهل فرهنگ، ادب و خوشنویسی بود، بزرگ شدم. پدر بزرگ علوالسلطنه از خوشنویسان دوران قاجار بود. پدرم علاقه زیادی داشت که من با ادبیات کشور آشنا شوم به همین دلیل از ۷ سالگی با شروع مدرسه، کتاب حافظ، سعدی و شاهنامه برایم می‌خواند و من را تشویق می‌کرد تا با اشعار بزرگان کشور آشنا شوم و به همین دلیل در همان کودکی، آثار ادبی ادیبان ایرانی همچون حافظ، سعدی و مولانا را یاد گرفتم. در نوجوانی عضو چند انجمن ادبی و گروه شعرخوانی شدم و همین فعالیت‌ها موجبات ورودم به رادیو و گوندگی را در سال ۱۳۲۷ مهیا کرد. فارغ‌التحصیل دانشسرای مقدماتی تهران و هنرستان هنرپیشگی تهران هستم.

روزهای مدرسه

در مدرسه عضو انجمن ادبی بودم، دکلمه می‌کردم، شعر می‌خواندم،

بولتن تهیه می‌کردم و انشاهای خوبی می‌نوشتم که بیشتر در گروه ادبی مدرسه مطرح می‌شد. یکی از دبیران من خانم دکتر طوسی حائری نام داشت که ادبیات درس می‌داد و از انشاهای صدای





گناهان سینمایی

بدترین فیلم‌های سال ۲۰۲۵

۵ آنمونی: دنیل دی-لوئیس برای کمک به پسرش پس از بازنشستگی خود به بازیگری بازمی‌گردد. نتیجه فیلمی کند و بی‌روح درباره پیوندهای خانوادگی، ایرلند و مسائل تاریخی است که با بازی اغراق‌آمیز و فضای هنری خسته‌کننده، تجربه سینمایی ناخوشایندی ایجاد می‌کند.

۵ فیلم بد از دید پیتربگ

۱ زندگی چاک: فیلم آخرالزمانی مایک فلانگان با پیام‌های سطحی و دیالوگ‌های مصنوعی. روایت با نیک آفرمن و موسیقی سنگین، هیچ واقع‌گرایی‌ای ایجاد نمی‌کند. شخصیت اصلی، چاک (تام هیدلستون)، زندگی «معنادار» خود را صرف حرکات تصادفی عمومی می‌کند اما فیلم هیچ تأثیری بر مخاطب ندارد.

۲ الکتریک استیت: تبدیل کتاب تصویری سای-فای سایمون استال-هاگ به فیلم CG توسط برادران روسو با بازی کریس پرت و استلی توجی، تصویری زیبا اما فاقد روح و پر از شخصیت‌های آزاردهنده ایجاد کرده است. داستان کودک کما در برق‌رسانی عجیب و غریب، فیلم را بیشتر از حالت کتاب ضعیف می‌کند.

۳ جنگ دنیاها: نسخه مستقیم به آمازون از فیلم کلاسیک با آیس کیوب در نقش امنیتی کم قانع‌کننده. فیلم بیشتر شبیه تبلیغ آمازون است و داستان اصلی را به‌نفع استفاده از ویژگی‌های پرایم قربانی می‌کند.

۴ بازیگر: فیلمی معمایی درباره بازیگری که حافظه‌اش را از دست داده است. روایت گیج‌کننده و بازی‌های اغراق‌آمیز بازیگران، فیلم را شبیه برف‌گلوبی ابری می‌کند. اقتباس از رمان دونالد ای. وستلیک اما تجربه‌ای خسته‌کننده برای مخاطب است.

۵ حضور: فیلم ترسناک از زاویه دید ارواح، ساخته استیون سودبرگ با نام مستعار پیتربگ. فیلم خسته‌کننده و بی‌روح است و بیشتر از ایجاد هیجان، حس خستگی به مخاطب منتقل می‌کند.

تذکر ویژه: سفیدبرفی

بازسازی زنده دیزنی از فیلم انیمیشنی کلاسیک که جادوی اصلی را از بین برده است. استفاده از جلوه‌های ویژه برای کوتوله‌ها و بازی بازیگران مانند ریچل زگلر و گال گادوت، شخصیت فیلم را سطحی و بی‌روح کرده است.

فیلم‌های بد لزوماً لذت‌بخش نیستند اما صحبت درباره آنها سرگرم‌کننده است و به‌نوعی اهمیت دارد. به گزارش هفت ورزشی، برخی معتقدند که فهرست بهترین فیلم‌های سال مقدس و معنادار است، درحالی که فهرست بدترین‌ها سطحی و بی‌رحمانه است، ضربه‌ای بی‌مورد به فیلم‌هایی که در حد انتظار ظاهر نشده‌اند. در ویرایتی، ما با این نظر موافق نیستیم. منتقدان ارشد ما، اوون گلبرمن و پیتربگ، تعداد زیادی فیلم ضعیف در سال ۲۰۲۵ دیده و بررسی کرده‌اند اما یافتن بدترین‌ها به‌نظر ما ارزشمند است. هر فیلم افتضاح درسی دارد و مجموعه‌ای از گناهان سینمایی را به ما نشان می‌دهد که باید از آنها اجتناب کرد. در ادامه، فهرست بدترین فیلم‌های امسال برای مطالعه (نه دیدن) شما آمده است.

۵ فیلم بد از دید اوون گلبرمن

۱ بهشت: فیلمی تاریخی و آشفته از ران هاوارد که ما را در جزایر گالاپاگوس در سال ۱۹۲۹ می‌گذارد. شخصیت‌ها از عجیب به منجرکننده سپس تحمل‌ناپذیر تغییر می‌کنند. جودلاو در نقش پزشکی که جامعه اروپایی را رد کرده و جهان جدیدی می‌سازد با رفتاری عجیب و «توتونیک» ظاهر می‌شود. فیلم به‌جای «Eden» باید «پادآرمانشهر بی‌پایان» نام می‌گرفت.

۲ پنج شب با فردی ۲: نسخه دوم اقتباس سینمایی بازی ویدئویی محبوب، که حتی از نسخه اول هم ضعیف‌تر است. فیلم اسلشر بدون خون و هیجان واقعی است و روح‌های کودکان کشته شده در عروسک‌های فردی به حاشیه می‌روند. تنها نکته جلب توجه، نمایش عروسک‌های عظیم‌الجثه و سنگین است.

۳ وصیت‌نامه آن‌لی: فیلم موزیکال و تاریخی مونا فست‌ولد درباره بنیانگذار فرقه شیکر با بازی آماندا سیفرید. فیلمی خسته‌کننده و پراکنده که ۱۳۷ دقیقه تماشای آن حکم عبادت دارد. فیلم با استفاده از وقایع تریبی خشونت‌آمیز شخصیت اصلی و موسیقی‌های مذهبی از هرگونه درام واقعی کوتاهی می‌کند.

۴ فردا عجله کن: درام خودشیفته و پرمدهای ستاره پاپ با بازی ویکند. فیلم درباره بحران عصبی شخصیت اصلی است که در اوج خودشیفتگی و پوچی فرو رفته است. کارگردان با سبک سینمایی کابوس‌گونه، فیلم را با موسیقی‌های سنگین سینت‌سایزر همراه کرده است؛ نتیجه یک درام روان‌شناسانه، پوچ و اغراق‌آمیز است.



بارز سبکش بود. او هرگز در آمریکا تور گسترده‌ای برگزار نکرد اما در اروپا ستاره بزرگی بود.

«بگو که بهشتی هست» به عنوان سومین تک‌آهنگ از دهمین آلبوم استودیویی این هنرمند با نام جاده جهنم» سال ۱۹۸۹ منتشر شد. این آهنگ در چارت تک‌آهنگ‌های انگلستان به رده ۲۴ م و برای ۶ هفته بین ۱۰۰ آهنگ برتر قرار داشت. «اوبرژ» در سال ۱۹۹۱ به عنوان تک‌آهنگ اصلی از یازدهمین آلبوم استودیویی‌اش با نام «اوبرژ» منتشر شد. کریس ریا و جان کلی تهیه‌کنندگان این آهنگ بودند. «اوبرژ» در بریتانیا به رتبه ۱۶ جدول تک‌آهنگ‌های انگلستان رسید و برای ۶ هفته رتبه خود را حفظ کرد. یک موزیک ویدئو نیز به کارگردانی نایجل دیک در استودیوی بری در بارکشر برای تبلیغ تک‌آهنگ فیلم‌برداری شد. «در جست‌وجوی تابستان» سال ۱۹۹۱ به عنوان سومین تک‌آهنگ از یازدهمین آلبوم استودیویی ریا با عنوان «اوبرژ» منتشر شد. «در جست‌وجوی تابستان» در بریتانیا به رتبه ۴۹ رسید و سه هفته در این جدول ماند. «آهنگ زمستانی» هم سال ۱۹۹۱ و در نسخه اروپایی و ای بی یازدهمین آلبوم استودیویی‌اش با نام «مهمانسرا» هم‌زمان با تور بریتانیای کریس ریا که در آن زمان در جریان بود، منتشر شد و در جدول تک‌آهنگ‌های انگلستان به شماره ۲۷ رسید و برای چهار هفته جزو ۱۰۰ آهنگ برتر باقی ماند.

زنده پخش می‌شد. هیچ چیزی جز عشق من را به سمت کار نمی‌برد و تمام دوستان از دل و جان در رادیو کار می‌کردند.

حضور در سینما و تلویزیون

یکی از فیلم‌هایی که در آن نقش آفرینی داشتم، طلسم گمشده بود که دومین فیلم رنگی در ایران بود. همکاری من با تاتار، بیش از دو سال‌ونیم طول نکشید زیرا کارهایم در رادیو آنقدر زیاد شده بود که دیگر نمی‌توانستم در تئاتر حضور داشته باشم. در دهه ۳۰ کیفیت کار متفاوت شده بود و دیگر نه من آنها را می‌پسندیدم و نه آنها من را و کارم به رادیو و دوبله محدود شده بود، سرپرست دوبلاژ بودم و در رادیو، برنامه‌های مختلفی را کارگردانی می‌کردم. در دهه ۵۰ چند فیلم بازی کردم و در ادامه آنها، در سریال امیرکبیر و روزی روزگاری، گالش‌های مادر بزرگ و بخش چهار جراحی نیز حضور پیدا کردم اما همچنان با دوبلاژ همکاری می‌کردم و در سال ۵۸ از رادیو بازنشسته شدم.

عاشقان یک حرفه

دوستانی بودند که در رادیو، دوبله، سینما و تئاتر همراه و همکار و همگام بودیم، با هم به کارمان عشق می‌ورزیدیم، عاشقانه کار می‌کردیم و با هم اثری به‌وجود می‌آوردیم که مردم روزی دیدند و شنیدند و در خاطره‌هایشان نگه داشتند و هنوز بعد از سال‌ها، وقتی من را می‌بینند، می‌گویند ما با صدای تو بزرگ شدیم. یادم می‌آید روزی یکی از مجلات درباره خانم چهره‌آزاد از من سوال کرد و من در پاسخ گفتم، او کارش را با عشق شروع کرد و عشقش را در کارش نیز به‌کار برد زیرا هنر و عشق از هم جدا نیستند. او به نیکنامی زندگی کرد و با جلال و عظمت از دنیا رفت.

هنر و هنرمند

اگر هنرمندی به درجه اعلای هنر برسد ولی نتواند با مردم رابطه برقرار کند و هنرمند بودن او غرور و فاصله‌ای بین او و مردم ایجاد کند، کارش هنر نیست عین بی‌هنری است.

مرگ باشکوه

من معتقدم مرگ ترسناک و دردناک نیست بلکه یک پرواز باشکوه است و خوشا به حال کسانی که با شکوه پرواز می‌کنند. تمام تلاشم را کردم تا کارهایم را با صمیمیت، صداقت و عشق انجام بدهم و در تمام مدت به مردم عشق ورزیدم؛ به همین دلیل مردم به من لطف دارند و همین برای من بهترین پاداش است.

علاقه‌اش واقع‌بینانه بودند. او عاشق طبخ غذاهای ایتالیایی بود و علاقه شدیدی به مسابقات اتومبیل‌رانی و نمایش‌های «فراری» نشان‌دهنده شخصیت چندوجهی‌اش بود. کریس ریا همیشه احساس خاصی به سبک بلوز داشت و این مسأله به وسیله شعرها و آهنگ‌ها و نواهایی که بر پایه بلوز بوده‌اند، در آهنگ‌های قدیمی کریس قابل مشاهده است. کریس ریا خود را در طاقچه فروشگاه موسیقی قرار نداد، کاملاً برعکس، اثری مثبت آلبوم‌های او در طول زمان به‌طور صعودی تاژی خود را افزایش می‌دهد.

ترانه‌های ماندگار کریس

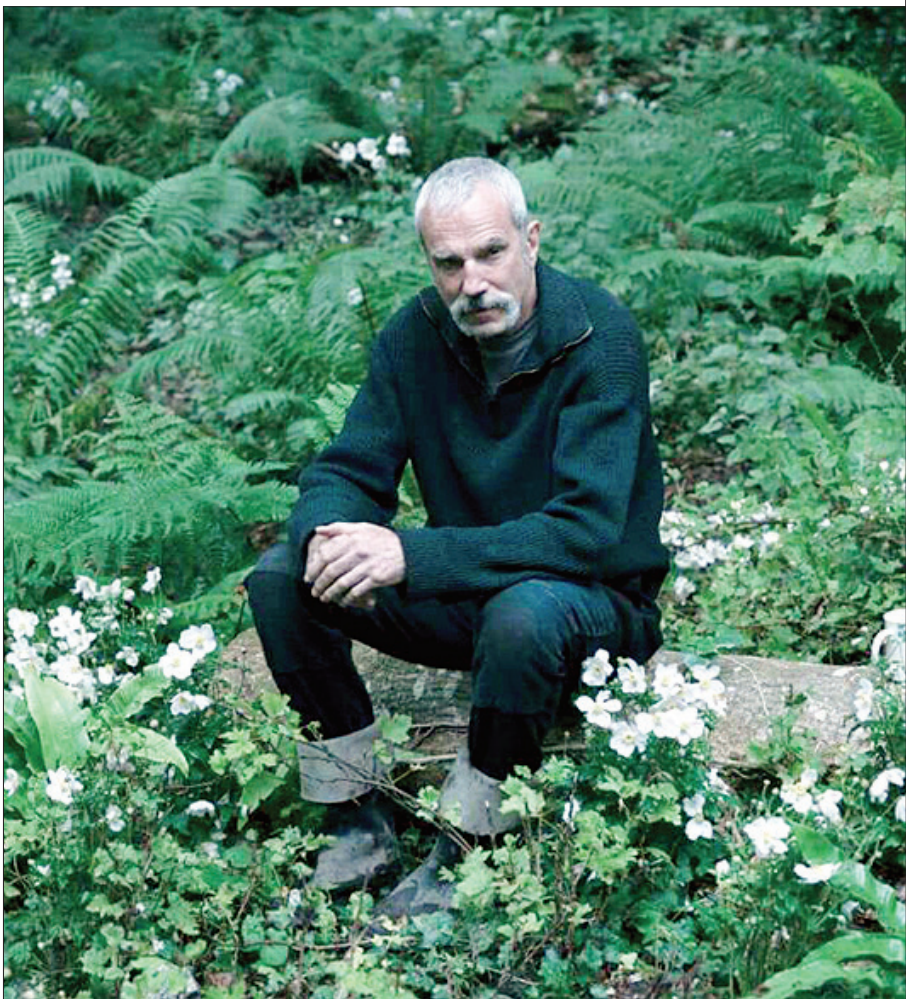
معروف‌ترین ترانه‌اش، «اراندن به سوی خانه برای کریسمس» در سال ۱۹۸۶ منتشر شد. سال ۲۰۲۰ درباره این ترانه گفته بود در آن زمان با کمک دولت زندگی می‌کرد: «مدیر برنامه‌هایم مرا تازه کنار گذاشته بود و رانندگی هم برایم ممنوع شده بود. جوان که بعد همسرم شد با مینی ماینرش به لندن آمد و مرا برداشت و به خانه [میدلزبورو] برد. این ترانه را آن موقع نوشتم.» کریس ریا با همسرش جوان در ۱۶ سالگی آشنا شده بود.

کریس ریا بیش از ۲۵ آلبوم استودیویی منتشر کرد و بیش از ۴۰ میلیون نسخه از آثارش در جهان فروخته شد. صدای خشن و متمایز او، همراه با نوازندگی گیتار اسلاید تحت‌تأثیر بلوز، ویژگی

من خوشش آمد و مرا به رادیو معرفی کرد. البته آن وقت‌ها رادیو دو ساعت ظهر برنامه داشت و شب‌ها هم موسیقی پخش می‌کرد. داستان شب هنوز وجود نداشت و تنها اخبار و مطالبی درباره جنگ متفقین پخش می‌شد. من کارم را با گویندگی و اعلام برنامه‌ها آغاز کردم ولی قبل از آن از ما امتحان گرفتند.

ورود به رادیو

از دانشسرای مقدماتی مستقیماً وارد رادیو شدم و اعلام برنامه می‌کردم. در آن زمان ما به میدان ارک می‌رفتیم و با ماشین، گویندگان را به بی‌سیم که یک استودیو پخش داشت و اغلب برنامه‌ها زنده پخش می‌شد، می‌بردند. یعنی اگر زنده‌یاد صبحی مهدی برای قصه‌گویی می‌آمد و یا زنده‌یاد راشد برای سخنرانی می‌آمد به‌صورت



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

نگاه مثبت گلدمن ساکس

چه امیدی به اقتصاد جهان در سال ۲۰۲۶ وجود دارد؟

مهتا معرفت
گروه اقتصاد

گلدمن ساکس در گزارشی جدید از تداوم رشد نسبی اقتصاد جهان در کنار کاهش فشارهای تورمی و حرکت تدریجی بانک‌های مرکزی به سمت سیاست‌های پولی انبساطی خبر می‌دهد. این گزارش با تأکید بر تاب‌آوری اقتصادهای بزرگ، چشم‌اندازی محتاطانه اما امیدوارکننده را برای بازارها و سرمایه‌گذاران ترسیم می‌کند.

تحلیلگران گلدمن ساکس معتقدند، سال آینده میلادی با وجود چالش‌های متعدد، رشد اقتصاد جهانی همچنان قابل توجه و نسبتاً پایدار خواهد بود. طبق تحلیل اقتصاددانان این مؤسسه، تولید ناخالص داخلی جهان در سال ۲۰۲۶ حدود ۲.۸ درصد رشد خواهد داشت که بالاتر از برآورد حداقلی اکثر تحلیلگران بازار است و نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری اقتصاد جهانی نسبت به شوک‌های سیاسی، تجاری و مالی است. در این پیش‌بینی، ایالات متحده آمریکا با رشد حدود ۲.۶ درصد، عملکردی فراتر از میانگین جهانی خواهد داشت که از بهبود شرایط مالی، کاهش موانع تعرفه‌ای و افزایش تحریکات مالی ناشی می‌شود. این نرخ بالاتر از برآورد میانگین بازار است و نشان‌دهنده این است که گلدمن ساکس به توانایی اقتصاد آمریکا در عبور از رکودهای احتمالی با وجود موانع سیاستی باور دارد. با وجود رشد جهانی نسبتاً پایدار، گلدمن ساکس اشاره می‌کند که بازار کار احتمالاً در بسیاری از مناطق توسعه‌یافته و در حال توسعه «سکون» خواهد داشت. به‌عبارت دیگر، رشد شغل‌ها و کاهش چشمگیر بیکاری در سطح جهانی قابل پیش‌بینی نیست و اقتصادها بیشتر از طریق سایر محرک‌ها مانند سرمایه‌گذاری شرکت‌ها یا افزایش مصرف خانوارها به رشد ادامه خواهند داد. این نکته تحت عنوان «Stagnant Jobs» مطرح می‌شود، یعنی اشتغال چندان شتاب نخواهد گرفت حتی زمانی که شاخص‌های کلان دیگر مثبت بنظر می‌رسند.

در بحث تورم و قیمت‌ها نیز تحلیل گلدمن ساکس حاکی از این است که سطح عمومی قیمت‌ها در سال ۲۰۲۶ نسبتاً ثابت یا با نوسان اندک خواهد بود. با کاهش تدریجی فشارهای تورمی جهانی و ادامه روند نزولی نرخ‌ها در اقتصادهای کلیدی، بانک‌های مرکزی به سمت کاهش بیشتر نرخ بهره متمایل می‌شوند تا از رشد اقتصادی حمایت کنند بدون اینکه باعث جهش تورم غیرقابل کنترل شوند. در گزارش دیگری نیز آمده که فدرال رزرو آمریکا ممکن است در سال ۲۰۲۶ دو بار دیگر نرخ بهره را کاهش دهد تا سطح آن را به حدود ۳ تا ۳.۲۵ درصد برساند که این سیاست پولی، تسهیلی برای تحریک اقتصاد در برابر کندی تقاضای جهانی است.

از منظر بازارهای سرمایه و دارایی‌ها گلدمن ساکس چشم‌اندازی نسبتاً خوش‌بینانه دارد. به دلیل رشد اقتصادی و کاهش نرخ بهره، انتظار می‌رود بازارهای سهام جهانی به روند صعودی ادامه دهند هرچند ممکن است، نوسانات قیمتی در بخش‌هایی از بازار افزایش یابد. در بخش کالاها ی اساسی این مؤسسه پیش‌بینی می‌کند که قیمت طلا تا دسامبر ۲۰۲۶ به حدود ۴۹۰۰ دلار در هر اونس برسد؛ دلایل این رشد شامل افزایش تقاضای بانک‌های مرکزی، اقدام سرمایه‌گذاران برای تنوع‌بخشی به سبد دارایی‌ها و فضای حمایتی نرخ‌های بهره پایین‌تر است. همچنین طلا به‌عنوان دارایی امن در برابر ریسک‌های ژئوپلیتیک و مالی، تقاضای بیشتری خواهد داشت. در مقابل، قیمت نفت خام نیز بنا بر برآوردها احتمالاً کاهش خواهد یافت زیرا عرضه نسبت به تقاضا در برخی دوره‌ها بالاتر می‌رود و عوامل عرضه بیش از انتظار ادامه می‌یابد هرچند نوسانات ناشی از سیاست اوپک و تحولات سیاسی می‌تواند این روند را مختل کند. در تحلیل‌های منطقه‌ای، گلدمن ساکس انتظار دارد که رشد اقتصاد چین در سال ۲۰۲۶ همچنان قوی‌تر از میانگین جهانی باشد و این کشور یکی از محرک‌های اصلی تقاضای جهانی باقی بماند، اگرچه سرعت رشد آن نسبت به سال‌های قبل کاهش نسبی خواهد داشت. رشد در منطقه یورو نیز همچنان ادامه خواهد یافت اما با نرخ ملایم‌تری نسبت به ایالات متحده که بازتاب وضعیت متعادل‌تر اقتصادهای اروپایی است. چالش‌های پیش‌رو در سال ۲۰۲۶ شامل نااطمینانی‌های سیاسی و ژئوپلیتیک، تنش‌های تجاری و احتمال نوسانات بازار کار هستند که می‌توانند بر رفتار سرمایه‌گذاران و سیاستگذاران اثر بگذارند. گلدمن ساکس به سرمایه‌گذاران توصیه می‌کند که در طراحی سبدهای سرمایه‌گذاری خود، بازه‌های زمانی بلندمدت را مدنظر قرار دهند و از تنوع‌بخشی دارایی‌ها برای مدیریت ریسک‌های ناشناخته استفاده کنند. به‌طور خلاصه، گلدمن ساکس چشم‌انداز اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۶ را مثبت با رشد پایدار، ثبات نسبی قیمت‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری می‌بیند اما تأکید می‌کند که مسیر پیش‌رو پیچیده است و عواملی مانند سیاست‌های پولی، رفتار بازارها و ریسک‌های ژئوپلیتیک می‌توانند، نتایج را تغییر دهند.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

پوپولیسم کشورسوز

وضع فعلی ونزوئلا چقدر مدیون پوپولیسم چپ است؟

سعید مشهوری
گروه اقتصاد

پوپولیسم چپ در ونزوئلا نمونه‌ای کلاسیک از ترکیب سیاست‌های سوسیالیستی، تمرکز قدرت و تصمیم‌گیری‌های کوتاه‌مدت عوام‌پسند است که در نهایت به فروپاشی اقتصادی ختم شده است. این کشور در دهه‌های میانی قرن بیستم یکی از ثروتمندترین کشورهای آمریکای لاتین بود؛ اقتصادی متکی بر نفت با درآمد سرانه بالا، زیرساخت‌های مناسب و جایگاهی مهم در بازار جهانی انرژی. اما آنچه این کشور را از مسیر توسعه خارج کرد، نه صرفاً وابستگی به نفت بلکه نحوه استفاده سیاسی از این منبع و تخریب تدریجی نهادهای اقتصادی بود.

با روی کار آمدن هوگو چاوز در اواخر دهه ۱۹۹۰ پوپولیسم چپ به هسته اصلی حکمرانی تبدیل شد. دولت با شعار عدالت اجتماعی و بازتوزیع ثروت، مالکیت دولتی را گسترش داد، صنایع کلیدی ازجمله نفت، برق، فولاد و کشاورزی را ملی کرد و بخش خصوصی را به حاشیه راند. این سیاست‌ها در کوتاه‌مدت و هم‌زمان با قیمت‌های بالای نفت، ظاهری موفق داشتند؛ یارانه‌های گسترده، برنامه‌های رفاهی و توزیع پول نقد باعث افزایش محبوبیت سیاسی دولت شد اما این اقدامات بر پایه بهره‌وری، سرمایه‌گذاری یا تولید پایدار نبودند.

دخالت سیاسی گسترده در شرکت ملی نفت ونزوئلا ضربه‌ای تعیین‌کننده بود. این شرکت که زمانی یکی از حرفه‌ای‌ترین شرکت‌های نفتی جهان به‌شمار می‌رفت به ابزاری سیاسی برای تأمین هزینه‌های دولت تبدیل شد. مدیران فنی کنار گذاشته شدند، سرمایه‌گذاری کاهش یافت و درآمدهای نفتی به‌جای توسعه زیرساخت‌ها، صرف برنامه‌های کوتاه‌مدت پوپولیستی شد. نتیجه آن بود که با افت قیمت نفت، کل اقتصاد بدون پشتوانه باقی ماند.

کنترل قیمت‌ها و نرخ ارز، یکی دیگر از ستون‌های پوپولیسم چپ در ونزوئلا بود. دولت برای حمایت از مردم قیمت کالاها را دستوری کرد اما این سیاست، انگیزه تولید را از بین برد و کمبود گسترده کالاها ی اساسی را رقم زد. تولیدکنندگان یا ورشکست شدند یا فعالیت خود را متوقف کردند و اقتصاد به واردات وابسته‌تر شد؛ وارداتی که با کمبود ارز به تدریج ناممکن شد. در کنار اینها، تضعیف نهادهای دموکراتیک و استقلال بانک مرکزی، تورم را از کنترل خارج کرد. چاپ پول برای تأمین کسری بودجه به ابرتورمی منجر شد که پس‌اندازها را نابود و طبقه متوسط را عملاً حذف کرد. نتیجه نهایی، فروپاشی تولید، سقوط ارزش پول ملی، مهاجرت میلیون‌ها نفر و تبدیل یکی از ثروتمندترین کشورهای نفتی جهان به کشوری با بحران انسانی بود.

پوپولیسم چپ در ونزوئلا نشان داد که شعار عدالت بدون نهادسازی، بدون احترام به منطق اقتصاد و بدون پاسخگویی سیاسی، نه‌تنها فقر را از بین نمی‌برد بلکه آن را عمیق‌تر و

بازار سهام

خلاف پیش‌بینی‌ها

چرا بازار با کاهش تقاضا مواجه نشد؟

معاملات دیروز بورس تهران با روندی مثبت در بازار سهام به پایان رسید. شاخص کل بورس با افزایش ۲۸ هزار و ۶۳ واحدی به سطح ۳ میلیون و ۹۳۷ هزار و ۱۸۸ واحد رسید و رشد ۰.۷۲ درصدی را ثبت کرد. شاخص کل هم‌وزن نیز با افزایش ۱۱ هزار و ۷۶۰ واحدی در رقم ۱ میلیون و ۱۰۱ هزار و ۴۷۴ واحد ایستاد و بازدهی ۱.۰۸ درصدی را تجربه کرد.

با وجود آنکه در نیمه دوم معاملات روز گذشته فروشنندگان قدرتنمایی کرده بودند و انتظار می‌رفت، بازار دیروز با فشار فروش و روندی منفی آغاز شود اما برخلاف این پیش‌بینی‌ها، بازار نه‌تنها منفی بازگشایی نشد بلکه خریداران خیلی زود ابتکار عمل را در دست گرفتند و شاخص‌ها بار دیگر وارد مسیر صعودی شدند.

در یک ساعت ابتدایی معاملات دیروز، فروشنندگان تلاش کردند، کنترل بازار را به دست بگیرند اما ورود سریع خریداران نشان داد که از نگاه آنها همچنان فضای رشد در

فرآگیرتر می‌کند. ونزوئلا قربانی سوسیالیسمی شد که به‌جای توانمندسازی مردم، آنها را به دولت وابسته کرد و در نهایت حتی همان دولت نیز از تأمین حداقل‌ها ناتوان ماند.

چشم‌انداز اقتصاد ونزوئلا

نااطمینانی ناشی از حمله نظامی آمریکا به این کشور چشم‌اندازی مبهم و پرریسک برای فعالان اقتصادی ترسیم کرده که حاصل تلاقی بحران‌های ساختاری داخلی، تحریم‌های خارجی و ضعف نهادهای اقتصادی است. تحلیل‌های مستقل و گزارش مؤسسات معتبر نشان می‌دهد اقتصاد این کشور با نزولی بودن تقاضای داخلی، اختلال در بازار ارز، تورم بسیار بالا و کاهش تولید و صادرات نفت مواجه است که همه اینها به‌طور مستقیم بر فرصت‌ها و ریسک‌های کسب‌وکار در



ونزوئلا تأثیر می‌گذارند. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها برای فعالان اقتصادی، شکاف گسترده نرخ ارز رسمی و بازار آزاد است که هنوز به‌عنوان مانع اصلی گزارش می‌شود و موجب عدم قطعیت در برنامه‌ریزی هزینه، قیمت‌گذاری و سرمایه‌گذاری می‌شود. این شکاف نه‌تنها هزینه واردات و تولید را افزایش داده بلکه توان رقابتی شرکت‌های خصوصی را تضعیف کرده است به‌طوری‌که بسیاری از شرکت‌ها، کاهش حجم فعالیت و حتی توقف تولید را تجربه کرده‌اند. افزون بر این، کمبود دسترسی به منابع ارزی و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی،

تأمین مالی و واردات مواد اولیه و تجهیزات فنی را بسیار دشوار کرده است. این شرایط در کنار فشار مالیاتی و ضعف سیستم بانکی، هزینه‌های عملیاتی شرکت‌ها را افزایش می‌دهد و سرمایه‌گذاران را در مواجهه با ریسک‌های بزرگ قرار می‌دهد. در بسیاری از بخش‌ها، حجم فعالیت اقتصادی درحال کاهش بوده و داده‌های گزارش‌های بخش خصوصی نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۵ حجم کسب‌وکارها در بخش‌هایی مانند ساخت‌وساز، کشاورزی و صنایع تولیدی، کاهش چشمگیری داشته و این مسئله نشانه‌ای از کاهش اعتماد تجاری و کاهش رشد اقتصادی است.

از سوی دیگر، اختلالات در خدمات پایه مانند برق، سوخت و زیرساخت‌های حمل‌ونقل همچنان یکی از موانع بزرگ برای تولید و تجارت است به‌طوری‌که بیش از نیمی از شرکت‌ها در سال ۲۰۲۵ از تأثیر مستقیم این مشکلات بر عملیات خود گزارش داده‌اند. این وضعیت بر بهره‌وری واحدهای اقتصادی فشار می‌آورد و هزینه‌های پنهان و غیرمستقیم را افزایش می‌دهد. تورم بالا و انتظار ادامه روند افزایش قیمت‌ها نیز بر برنامه‌ریزی مالی شرکت‌ها و مصرف‌کنندگان اثر منفی می‌گذارد. اگرچه برخی منابع رسمی ممکن است، آمارهای اقتصادی را به کندی منتشر کنند، کارشناسان معتقدند که احتمال بازگشت یا تشدید ابرتورم همواره وجود دارد که ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. در سطح کلان، گزارش صندوق بین‌المللی پول با اشاره به اینکه رشد اقتصادی ونزوئلا تنها حدود نیم درصد بوده و تورم بسیار بالا پیش‌بینی می‌شود، نشان می‌دهد اقتصاد کشور در بحران عمیق قرار دارد و این موضوع شرایط نامطمئنی برای کسب‌وکارها ایجاد می‌کند به‌ویژه زمانی که درآمدهای صادرات نفت کاهش یافته و درآمد ارزی کافی برای تأمین نیازهای اقتصادی وجود ندارد. واکنش‌های بین‌المللی و تنش‌های ژئوپلیتیک نیز این نااطمینانی را تشدید کرده‌اند: تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی خارجی باعث شده، شرکت‌های چندملیتی حضور خود را کاهش دهند یا دارایی‌هایشان را واگذار کنند که این خود نشانه‌ای از کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری در ونزوئلاست.

با این حال برخی منابع رسمی دولتی رشد اقتصادی را در سال‌های آتی پیش‌بینی می‌کنند اما این‌گونه اظهارات اغلب با شک و تردید بخش خصوصی و تحلیلگران مستقل روبه‌روست و تا زمانی که اصلاحات ساختاری، بهبود ثبات پولی و کاهش شکاف ارزی رخ ندهد، فضای نااطمینانی برای فعالان اقتصادی همچنان پابرجاست. در نتیجه، فعالان اقتصادی در ونزوئلا با ترکیبی از ریسک‌های اقتصادی، مشکلات زیرساختی، فشارهای تنظیمی و تحریم‌های بین‌المللی روبه‌رو هستند که تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری در چنین محیطی را به کاری بسیار پرچالش و با احتمال بالا برای عدم بازگشت سرمایه تبدیل کرده است. این چشم‌انداز نامطمئن نیازمند اصلاحات اساسی در سیاست‌های اقتصادی و بازسازی اعتماد در فضای کسب‌وکار است تا مسیر رشد پایدار برای بخش خصوصی فراهم شود.

کپریسک است. از نظر آماری نیز ۶۵۲ نماد با رشد قیمت و ۱۷۸ نماد با کاهش قیمت به کار خود پایان دادند که نشان‌دهنده برتری محسوس خریداران در بازار دیروز است. در بخش سفارش‌ها، ارزش سفارشات خرید به ۵ هزار و ۷۲ میلیارد تومان رسید، در حالی که ارزش سفارشات فروش تنها ۶۲۶ میلیارد تومان بود. همچنین تعداد صف‌های خرید ۲۸۴ نماد و صف‌های فروش ۲۷ نماد ثبت شد که بار دیگر غلبه تقاضا بر عرضه را در بازار تأیید می‌کند. در مجموع، معاملات دیروز بورس ایران با رشد شاخص‌ها و برتری خریداران به پایان رسید. برخلاف انتظار اولیه برای آغاز منفی بازار، خریداران توانستند کنترل معاملات را در دست بگیرند و رشد دیگری را برای شاخص کل رقم بزنند. این روند نشان می‌دهد، بازار همچنان از ظرفیت حرکت صعودی کوتاه‌مدت برخوردار است و حضور فعال سرمایه‌گذاران حقیقی مانع از غلبه فشار فروش و قرمز شدن تابلو معاملات شد.

پروژه متوقف شد

شمشیر دولبه «توسعه» بر گلولی «پایتخت عیلام»

گروه اجتماعی: بعد از حواشی فراوان، خبر لغو نهایی پروژه زیرگذر شوش در رسانه‌ها انعکاس پیدا کرد. شورای فنی وزارت میراث فرهنگی با ایستادگی در برابر مصوبه جنجالی و «مشروط» شورای فنی استان خوزستان، اعلام کرد که به دلیل یافته‌های قطعی باستان‌شناسی، هیچ لودری حق ورود به عرصه ثبت جهانی شوش را ندارد.

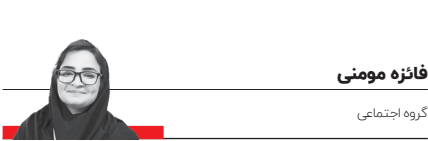
میراث در مسلخ مصلحت؛ وقتی تخصص رنگ می‌بازد

از دهه ۸۰ شمسی، هر گاه تب توسعه شهری در خوزستان بالا گرفته، اولین قربانی، لایه‌های باستانی پایتخت چندهزار ساله ایران بوده است. اما آنچه پاییز ۱۴۰۴ را متمایز کرد، عقب‌نشینی عجیب و نگران‌کننده شورای فنی استان خوزستان بود. در ۳۰ مهر ماه تحت فشارهای سنگین فرمانداری، نماینده شوش و اداره راه و شهرسازی، این شورا در کمال ناباوری با احداث زیرگذر «موافقت مشروط» کرد. این موافقت در واقع دهن‌کجی به اصول اولیه کنوانسیون ۱۹۷۲ یونسکو بود. طبق اسنادی که به‌دست رسانه‌ها رسید، مدیران استانی در حالی پای این مجوز را امضا کردند که به‌خوبی می‌دانستند هرگونه خاکبرداری در عرصه ۴۰۰ هکتاری ثبت جهانی، به‌معنای نابودی بخشی از شناسنامه بشریت است. اینجاست که باید پرسید: «معنی ثبت جهانی و حریم درجه یک چیست، اگر قرار باشد با یک جلسه اداری، لرزه بر اندام تاریخ انداخت؟»

شهر

شورا «هیچ» است

رئیس شورای شهر تهران گفت که اقدامات زاکانی یعنی اینکه شورا «هیچ» است



فانزه مومنی

گروه اجتماعی

صحن علنی شورای شهر تهران در دومین روز دی ماه بار دیگر به صحنه تقابل‌های تند کلامی، افشاکاری‌های مدیریتی و تذکرات جنجالی تبدیل شد. این جلسه که در ماه‌های پایانی عمر شورای ششم برگزار می‌شد بیش از آنکه رنگ و بوی بررسی لوائح شهری داشته باشد، تحت‌تأثیر فضای انتخاباتی، نقد عملکرد شهردار تهران و اعتراض به آنچه «حکمرانی نمایشی» خوانده می‌شود، قرار گرفت. شدت درگیری‌ها به حدی بود که مهدی چمران، رئیس باسابقه شورا، بارها ناچار به مداخله شد تا از فروپاشی نظم جلسه جلوگیری کند.

حکمرانی نمایشی و شائبه‌های انتخاباتی در بهشت

نقطه ثقل درگیری‌های روز گذشته، تذکر بیش از دستور مهدی اقراریان بود. او با بیانی صریح، مدیریت کنونی شهرداری تهران را به «حکمرانی نمایشی» متهم کرد و آن را آفتی بزرگ برای کل کشور دانست. اقراریان با اشاره به تذکرات اخیر وزیر کشور مبنی بر ممنوعیت مداخله شهرداران در امور انتخاباتی، پرسش‌های تکان‌دهنده‌ای را خطاب به علیرضا زاکانی مطرح کرد. او با استناد به مصاحبه‌های اخیر برخی نزدیکان شهردار که خود را «جریان مستقر» نامیده‌اند، پرسید که این جریان مستقر بودن چه حق و ویژه‌ای برای استفاده از امکانات عمومی ایجاد کرده است؟ این عضو منتقد شورا به‌صراحت از تشکیل ستادهای مشترک برای ماندن زاکانی در شهرداری پرده برداشت و خواستار شفاف‌سازی درباره ارتباط میان سخنگوی شهرداری و این ستادهای انتخاباتی شد. اقراریان حتی به عقب بازگشت و به ماجرای انتصاب مسئله‌دار شهردار در سال ۱۴۰۰ اشاره کرد و از حافظه تاریخی مردم مدد خواست تا حقیقت یک انتصاب سیاسی، روشن شود. این سخنان که با واکنش‌های زیرپوستی حامیان شهردار همراه بود، نشان داد که شکاف میان شورا و شهرداری در ماه‌های پایانی به عمیق‌ترین حد خود رسیده است.

طرح «من شهردارم»؛

تکریم شهروند یا تحقیر بدنه شهرداری؟

در ادامه جلسه، ناصر امانی، دیگر عضو منتقد شورا، تیغ تیز

رد پای سیاست در حیاط خلوت باستان‌شناسی

یکی از ابعاد تکان‌دهنده این پرونده، حضور پررنگ چهره‌های غیرتخصصی در جلسات تصمیم‌گیری بود. درحالی که سرنوشت شهری با قدمت ۹ هزار سال باید در آزمایشگاه‌ها و روی نقشه‌های باستان‌شناسی تعیین شود، جلسات نهایی با حضور معاونت امور مجلس و حقوقی وزارتخانه برگزار شد. پرسش نخبگان و باستان‌شناسان از آقای صالحی‌امیری، وزیر میراث فرهنگی، این است: «چرا باید نام افرادی که کمترین تخصصی در حوزه لایه‌نگاری و صیانت از بافت‌های تاریخی ندارند، در صدر پرونده‌های تخریب میراث بدرخشند؟» ورود «امور مجلس» به حوزه «شورای فنی» یعنی ذبح کردن علم باستان‌شناسی در پای رضایت نمایندگان مجلس. شوش، میراثی نیست که بتوان آن را در چانه‌زنی‌های سیاسی برای جلب رضایت محلی معامله کرد. این رفتار، میراث ملی را به کالایی برای پیشبرد پروژه‌های عمرانی عمر کوتاه تبدیل می‌کند که تنها هدف‌شان، رزوم‌سازی برای انتخابات‌های آتی است.

پیروزی خاک بر بتن؛ یافته‌هایی که دروغ نگفتند

آنچه روز گذشته باعث شد که شورای فنی وزارتخانه در تهران حکم به توقف پروژه بدهد نه صرفاً غیرت کارشناسی بلکه یافته‌های فیزیکی از دل خاک بود، کاوش‌های اخیر نشان داد که در عمق بسیار کمی از لایه سطحی، بقایای تمدنی نهفته است که هرگونه گودبرداری برای

زیرگذر را به یک «جنایت تاریخی» تبدیل می‌کند. محسن طوسی، مدیرکل حفظ و احیای بناها، با اعلام مخالفت صریح در واقع تیر خلاص را به رویای لودرهایی زد که آماده بودند در نخستین روزهای دی ماه، عرصه جهانی را بشکافند. این پیروزی بیش از هر چیز مدیون رسانه‌های تخصصی و فعالانی است که نگذاشتند «تنگ زیرگذر شوش» به نام این دوره ثبت شود. اگر فشار افکار عمومی و افشای اسناد موافقت‌های پشت‌پرده نبود امروز به جای نگارش این تحلیل باید خبر آغاز تخریب عرصه شوش را مخابره می‌کردیم.

میراث‌خواری زیر سایه توسعه کاذب

مدافعان طرح زیرگذر همواره بر طبل «رفاه مردم شوش» و «رفع گره ترافیکی» می‌کوبند. اما این یک مغفله بزرگ است. هیچ‌کس مخالف رفاه شهروندان شوش نیست اما راحل ترافیک شوش، حفر تونل در قلب تاریخ نیست. ده‌هاست که طرح احداث جاده کمربندی شوش به دلیل مدیریت ضعیف و عدم تخصیص بودجه معطل مانده است. چرا باید هزینه ناکارآمدی وزارت راه و شهرسازی در احداث یک کمربندی ساده راه، هویت باستانی ایران پردازد؟ اصرار بر زیرگذر



عکس هوایی سال ۱۳۶۷

به‌جای کمربندی، مانند این است که برای جراحی یک غده ساده، قلب بیمار را بشکافیم. شوش پیش از آنکه یک شهر برای زندگی روزمره باشد، یک موزه زنده است. توسعه‌ای که به قیمت خروج شوش از فهرست یونسکو تمام شود، توسعه نیست بلکه «خودزنی تمدنی» است.

مسئولیت وزیر و یک هشدار جدی

آقایان صالحی‌امیری و دارابی باید بدانند که توقف این پروژه، پایان مسئولیت آنها نیست. پرونده زیرگذر شوش نشان داد که ساختار تصمیم‌گیری در میراث فرهنگی استان‌ها تا چه حد در برابر قدرت‌های محلی آسیب‌پذیر است. اگر قرار باشد هر مدیری در استان با فشار یک نماینده یا فرماندار زیر سند تخریب عرصه را امضا کند، دیگر چه نیازی به قوانین حفاظتی داریم؟ وزارت میراث فرهنگی باید با کسانی که در شورای فنی استان، آگاهانه چراغ سبز به این فاجعه نشان دادند، برخورد جدی کند. شوش، «جوجی» نیست که بتوان با یک عنرخواهی ساده از کنار تخریب‌هایش گذشت. اینجا سخن از میراثی است که اعتبار ایران در مجامع بین‌المللی به آن گره خورده است.

سلامت

پیشگیری فراموش‌شده

چرا ثبت «روز ملی پیشگیری از سوختگی» در تقویم ضروری است؟

دکتر علیرضا جلالی‌ندوشن، مدیرعامل انجمن ققنوس (جمعیت حمایت از بیماران سوخته) در نام‌های به رئیس‌جمهور، خواستار ثبت روز ملی پیشگیری از سوختگی در تقویم رسمی کشور شد. در این نامه آمده که: تقدم پیشگیری در نظام



سلامت، تصمیمی عقلانی، کم‌هزینه و پربازده است؛ رویکردی که بارها مورد تأکید ریاست محترم جمهوری قرار گرفته است. با این حال پیشگیری از سوختگی (به‌عنوان یکی از پرهزینه‌ترین و دردناک‌ترین آسیب‌های سلامت) در سیاستگذاری عمومی کشور همچنان مغفول مانده است. آمارها نگران‌کننده‌اند: بروز سوختگی در ایران تا ۸ برابر میانگین جهانی گزارش می‌شود؛ واقعیتی که نه‌تنها از نایمنی گسترده در منازل و اماکن عمومی حکایت دارد بلکه از فقدان مسئولیت‌پذیری قانونی و نظارت مؤثر در حوزه‌های فنی و استانداردسازی نیز پرده برمی‌دارد. همچنین تأکید شده: سوختگی خطری است که در هر زمان و مکان در کمین شهروندان است. در سویه اجتماعی، بی‌توجهی به ایمنی وسایل گرمایشی و یخت‌وپز، تماس نایمن با سیم‌های برق و استفاده نادرست از وسایل الکتریکی و نیز تکرار حوادث قابل پیشگیری در آیین‌هایی چون چهارشنبه‌سوری، نشانه‌های روشنی از غفلت عمومی هستند. در سویه حکمرانی نیز نبود آموزش نظاممند ایمنی در کتاب‌های درسی، بی‌توجهی به مخاطرات کارگران پروژه‌های بزرگ و استاندارد نبودن بسیاری از مراکز دولتی، درمانی و آموزشی این غفلت را تشدید کرده است. مطابق با اطلاعات این نامه؛ برخی این وضعیت را به کمبود منابع یا تقدم سنگین انسانی، اجتماعی و اقتصادی سوختگی، قابل دفاع نیست. مطالعات نشان می‌دهد، سرمایه‌گذاری در پیشگیری از سوختگی تا ۲۸ برابر بازده اقتصادی دارد. افزون بر آن بیش از ۸۵ درصد سوختگی‌ها با اقدامات ساده و آموزش مؤثر قابل پیشگیری هستند. در بسیاری از کشورها (حتی آنهایی که شیوع سوختگی‌شان به‌مراتب کمتر از ایران است) روز یا هفته‌ای برای آگاهی‌بخشی عمومی تعیین شده است. در ایران نیز در سال ۱۳۹۷ پیشنهاد مشترک انجمن‌های تخصصی و وزارت بهداشت برای نام‌گذاری «اول دی» به‌عنوان روز ملی پیشگیری از سوختگی ارائه شد؛ انتخابی منطقی با توجه به افزایش خطر در فصل زمستان. با وجود تلاش‌های گسترده این پیشنهاد به تصویب نرسید. اکنون زمان اقدام است؛ ثبت «روز ملی پیشگیری از سوختگی» در تقویم رسمی، گامی نمادین اما اثرگذار برای هم‌افزایی نهادها، تقویت آموزش عمومی و کاهش فزاینده قابل پیشگیری است. مطالبه‌ای ملی که می‌تواند، رنج هزاران خانواده را کاهش دهد و سلامت جامعه را ارتقا بخشد.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌زاد، امیر اقتناعی

مدیر هنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرین‌فر • حروف‌چین: سحر خسروچردی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۴۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۲۳۷۲۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

چالش‌هایی در زمینه اعتماد به اخبار وجود دارد

جوابیه مرکز تحقیقات صداوسیما به گزارش روزنامه سازندگی

مرکز تحقیقات سازمان صداوسیما در پاسخ به گزارش روزنامه سازندگی با عنوان «تقد‌های ناشنیده» که ۳۰ آذر منتشر شد پاسخی برای ما ارسال کرد که در ادامه می‌خوانید:

مرکز تحقیقات صداوسیما تنها یک مرکز نظرسنجی نوپا نیست؛ این نهاد میراث‌دار بیش از ۶ دهه فعالیت مستمر در عرصه سنجش افکار عمومی در ایران است. سابقه ما به پیش از انقلاب بازمی‌گردد و در تمامی تحولات بزرگ کشور، از انقلاب اسلامی تا انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس، نقش حیاتی در ارائه تصویر دقیق از نگرش‌ها و گرایش‌های جامعه داشته‌ایم. اعتبار ما نه براساس شعار بلکه بر پایه دقت تاریخی و قابلیت پیش‌بینی‌هایمان بنا شده است. در انتخابات اخیر همانگونه که تحلیل‌گران بی‌طرف اذعان دارند، پیش‌بینی‌های ما در خصوص مشارکت و گرایش‌های عمومی در سطح بالایی از دقت قرار داشت. این سابقه به ما مشروعیت علمی و عملی می‌بخشد که گروهی ناآشنا با زیرساخت‌های ملی سنجش، حق ندارد به‌سادگی آن را زیر سوال ببرد. ما با بهره‌گیری از مدل‌های کمی و کیفی پیچیده، تصویری جامع از مخاطبان ارائه می‌دهیم که مبتنی بر داده‌های میدانی است نه گمانه‌زنی‌های ژورنالیستی.

تشریح مدل سنجش مخاطب

بخش قابل‌توجهی از انتقادات روزنامه سازندگی مبتنی بر سوءتفاهمی عمیق نسبت به استانداردهای سنجش مخاطب است. ما در مرکز تحقیقات صرفاً به یک روش واحد اکتفا نمی‌کنیم. رویکرد ما یک رویکرد ترکیبی (Mixed-Method) است که شامل سه رکن اصلی می‌شود:

- نظرسنجی تلفنی پرتکرار (CATI): این روش ستون فقرات سنجش هفتگی و روزانه ماست. این نظرسنجی‌ها بر اساس آخرین استانداردهای جهانی، به‌ویژه در مورد برنامه‌های پربیننده، به‌صورت منظم اجرا می‌شوند.
- نظرسنجی حضوری فصلی (Face-to-Face): برای سنجش‌های عمیق‌تر، تغییرات نگرشی و بررسی زیرلایه‌های اجتماعی، نظرسنجی‌های حضوری فصلی را اجرا می‌کنیم که از دقت نمونه‌گیری بسیار بالاتری برخوردار است.
- معیار Reach ۱۵ دقیقه در روز مطابق آفکام (Ofcom): ما مطابق با استانداردهای بین‌المللی، به‌خصوص الگوی رایج در انگلستان (Ofcom) و سایر نهادهای تنظیم‌کننده رسانه، معیار «دسترسی» یا Reach (درصد افرادی که در یک بازه زمانی مشخص، حداقل یک بار به یک برنامه یا کانال دسترسی داشته‌اند) را مبنا قرار می‌دهیم. این معیار برخلاف Rating که صرفاً میزان تماشای یک لحظه خاص است، تصویر واقعی‌تری از نفوذ محتوا در جامعه ارائه می‌دهد.

تفاوت بنیادین ما با برخی ادعاهای مطرح‌شده در روزنامه در تفکیک دقیق بین «Reach» و «Rating» است. Rating صرفاً بیانگر حجم تماشای یک برنامه در یک لحظه مشخص است، درحالی‌که Reach نشان می‌دهد یک برنامه چقدر توانسته است در طول یک دوره زمانی، توجه بخش قابل‌توجهی از جامعه هدف را به خود جلب کند. گزارش اخیر مرکز تحقیقات، که به‌طور مفصل توسط رئیس مرکز در فایل پیوست تشریح گردید، بر مبنای این رویکرد جامع و جهانی تدوین شده است.

تضمین کیفیت و زیرساخت

ادعای بی‌اساس بودن داده‌های ما، نادیده گرفتن زیرساخت عظیم فنی و انسانی مرکز است. ما برای تضمین کیفیت داده‌ها، شبکه‌ای از بیش از ۱۰۰۰ پرسشگر آموزش‌دیده را در سراسر کشور سازماندهی کرده‌ایم. این شبکه نه تنها شامل پرسشگران شهری است بلکه بخش قابل‌توجهی از توان عملیاتی ما متمرکز بر پوشش کامل مناطق روستایی و شهرستانی است. نکته کلیدی در تضمین کیفیت، فرآیند «راستی‌آزمایی» (Verification) است. هر فرآیند نظرسنجی ما شامل مراحل کنترل کیفی پیچیده‌ای است. علاوه بر نظارت مستمر بر فرآیند مصاحبه، بخش قابل‌توجهی از مکالمات تلفنی (حداقل ۱۰ درصد به‌صورت تصادفی) مجدداً توسط کنترل‌گران با تماس‌گیرنده اصلی چک می‌شود تا اطمینان حاصل شود که اطلاعات به‌درستی ثبت شده و هیچگونه اجبار یا سوگیری در فرآیند پرسشگری اعمال نشده است. این سطح از دقت در بسیاری از مؤسسات کوچک‌تر سنجش، که ظاهراً مورد استناد روزنامه سازندگی بوده‌اند، کاملاً غایب است.

روندهای جهانی

ما خود را در عرصه جهانی اندازه‌گیری می‌کنیم. آمار و ارقام جهانی حاکی از یک واقعیت انکارناپذیر است: کاهش مصرف تلویزیون خطی (Linear TV) در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، مؤسسه‌ای چون نیلسن (Nielsen) در آمریکا و BARB در انگلستان به‌طور مستمر گزارش می‌دهند که نرخ مصرف محتوای سنتنی در حال افت است، به‌ویژه در میان نسل‌های جوان‌تر. طبق این گزارش‌ها، میانگین زمان تماشای تلویزیون خطی در بسیاری از مناطق تا سال ۲۰۲۴ روندی کاهشی داشته است.

این کاهش، به‌معنای پایان تلویزیون نیست بلکه به‌معنای تغییر در الگوی مصرف است. مرکز تحقیقات این تغییر را کاملاً درک کرده و مدل‌های خود را بر این مبنا به‌روزرسانی کرده است. ادعای روزنامه سازندگی مبنی بر عدم توجه به این روند، نشان می‌دهد که آنها از ادبیات و استانداردهای روز جهانی سنجش رسانه عقب‌تر هستند. ما نه‌تنها کاهش مصرف خطی را در نظر می‌گیریم بلکه به‌طور هم‌زمان، رشد مصرف محتوای برخط و OTT را نیز مدل‌سازی می‌کنیم.

انتقال مصرف به فضای مجازی و مفهوم امتداد رسانه‌ای

بزرگ‌ترین خطای تحلیلی روزنامه سازندگی، فرض بر این است که کاهش مصرف تلویزیون خطی، مساوی با کاهش تأثیرگذاری صداوسیماست. این تحلیل، مفهوم «امتداد رسانه‌ای» (Media Extension) را نادیده می‌گیرد. امروز، میلیون‌ها ایرانی از طریق پلتفرم‌های دیجیتال و سرویس‌هایی چون «تلویون» به محتوای تولیدی سازمان دسترسی دارند. سنجش اثرگذاری صداوسیما صرفاً از طریق گیرنده سنتی تلویزیونی، شبیه به این است که میزان دسترسی یک روزنامه را فقط با شمارش نسخه توزیع شده در کیوسک‌ها محاسبه کنیم و فروش نسخه آنلاین و دیجیتال آن را نادیده بگیریم. ما این امتداد را اندازه‌گیری می‌کنیم. پوشش گسترده برنامه‌های پربیننده در شبکه‌های اجتماعی و

تلویون، خود نشان‌دهنده «جذب» (Engagement) مخاطب است. این آمار، به وضوح نشان می‌دهد که ساختار رسانه‌ای ما پویاست و مصرف آن از کانال‌های سنتی به دیجیتال منتقل شده اما محتوا همچنان در مرکز توجه است.

پاسخ به ادعاهای مرتبط به نظرسنجی سایر مراکز و تبیین اختلاف روش‌شناختی

در خصوص استناد روزنامه سازندگی به نتایج برخی مؤسسات دیگر باید گفت که هر روش‌شناسی‌ای، خروجی خاص خود را دارد. تفاوت فاحش در نتایج نظرسنجی‌ها پیش از آنکه نشان‌دهنده نقص در یک روش باشد، دلیلی بر اختلاف در مبانی روش‌شناختی است.

تفاوت‌های کلیدی ما با این مؤسسات عبارتند از:

الف) حجم و ساختار نمونه: ما با نمونه‌های بسیار بزرگ‌تر و ساختار نمونه‌گیری متناسب با تقسیمات جغرافیایی و جمعیتی کشور، که شامل پوشش گسترده مراکز استان و شهرستان‌ها و روستاها می‌شود، عمل می‌کنیم. برخی از نظرسنجی‌های این مرکز با نمونه‌ای بالغ بر ۳۶ هزار پاسخگو اجرا می‌شود و از این حیث قابل‌مقایسه با هیچ مرکز نظرسنجی دیگری در کشور نیست.

ب) نوع پرسشگری: استفاده از پائل‌های ثابت یا نمونه‌گیری‌های مبتنی بر دسترسی آسان (مثل نمونه‌های مبتنی بر پل‌های آنلاین غیرتصادفی) منجر به سوگیری در نتایج می‌شود.

ج) سوگیری پرستیژ اجتماعی (Social Desirability Bias): این سوگیری زمانی رخ می‌دهد که پاسخ‌دهندگان از ترس قضاوت یا برای حفظ پرستیژ اجتماعی خود، پاسخی را ارائه می‌دهند که تصور می‌کنند، مطلوب جامعه است. روش‌های سخت‌گیرانه مرکز تحقیقات با استفاده از پرسشگران مجرب و تکنیک‌های سنجش پنهان، این سوگیری را تا حد ممکن کاهش می‌دهد، درحالی‌که روش‌های ساده‌تر به‌شدت مستعد این خطا هستند. بنابراین مقایسه معیارهای ما با نتایج مؤسسه‌ای که از زیرساخت و دقت ما برخوردار نیستند، مقایسه معناداری نیست و تنها به ایجاد ابهام می‌انجامد.

اثرسنجی چندسطحی: شناختی، عاطفی، کنشی با مثال ایران‌جان و داده‌های تلویون

ما تنها به شمارش «تماشاچی» اکتفا نمی‌کنیم. اثرسنجی ما چندسطحی است:

- سطح شناختی: میزان آگاهی و دریافت پیام.
- سطح عاطفی: میزان تأثیرگذاری برنامه بر احساسات مخاطب.
- سطح کنشی: میزان تغییر در رفتار یا نگرش پس از تماشای برنامه.

مثال «ایران‌جان» که در گزارش رئیس مرکز به آن اشاره شد، نمونه‌ای از یک برنامه با اثرگذاری کنشی بالا بود که فراتر از صرفاً آعداد بیننده، تغییراتی در سطح همدلی و مشارکت عمومی ایجاد کرد. همچنین داده‌های تلویون نشان می‌دهد که بخش قابل‌توجهی از بینندگان، نه به‌صورت زنده بلکه به‌صورت «پس از تقاضا» (On-Demand) محتوا را دنبال می‌کنند که این خود نشان‌دهنده ارزش ماندگار محتواس. در مورد سریال‌های پربیننده، آمارهای ما نشان می‌دهد که میزان بازیابی Re-

watch) و به اشتراک‌گذاری در شبکه‌های اجتماعی، مؤید عمق تأثیرگذاری بر نسل جوان است که این داده‌ها از طریق تحلیل محتوای تولید شده توسط کاربران (UGC) استخراج می‌شود.

اعتماد عمومی به رسانه ملی با استناد به گزارش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان

یکی از معیارهای کلیدی ما، سنجش «اعتماد» است. گزارش‌های «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» که توسط پژوهشگاه فرهنگ، هنر، ارتباطات و وزارت ارشاد تولید می‌شود به‌طور مستمر سطح اعتماد جامعه به نهادهای مختلف را اندازه‌گیری می‌کند. این گزارش‌ها نشان می‌دهد که اگرچه چالش‌هایی در زمینه اعتماد به اخبار خاص وجود دارد اما به‌طور کلی، سازمان صداوسیما همچنان یکی از نهادهای مرجع و مورد اعتماد در جامعه ایرانی است به‌ویژه در حوزه‌های اطلاع‌رسانی در بحران‌ها. این اعتماد ریشه در سابقه طولانی‌مدت و پوشش فراگیر ملی دارد که هیچ مؤسسه خصوصی با روزنامه محلی واجد آن نیست.

دعوت رسمی به بازدید حضوری منتقدان

برای اثبات شفافیت کامل خود، ما قویاً منتقدان روزنامه سازندگی را رسماً دعوت می‌کنیم تا بازدید مستقیمی از زیرساخت‌های فنی و انسانی مرکز تحقیقات داشته باشند. آنها می‌توانند از نزدیک شاهد فرآیندهای نمونه‌گیری، اتاق کنترل کیفیت، نرم‌افزارهای تحلیل داده و شیوه‌های راستی‌آزمایی مکالمات باشند. این دعوت، نه از موضع ضعف بلکه با اطمینان کامل به صحت و دقت متدولوژی ما صورت می‌گیرد. ما آماده‌ایم تا داده‌های خام و فرآیندهای فنی خود را در حضور نمایندگان آن روزنامه تشریح کنیم. این شفافیت، پاسخی قاطع به هرگونه ادعای غیر مستند است.

پرسش متقابل درباره شفافیت بودجه و تیراژ روزنامه سازندگی

درحالی‌که مرکز تحقیقات، تمامی هزینه‌های سنگین نظرسنجی‌های بزرگ خود (که بالغ بر میلیاردها تومان در سال است) را صرفاً در چارچوب انجام وظایف قانونی و به‌تمرکز بر استانداردهای علمی هزینه می‌کند، این سوال مطرح است که روزنامه سازندگی چه میزان شفافیتی در هزینه‌های عملیاتی خود، به‌ویژه در زمینه منابع تأمین مالی و دقت گزارش‌های خود دارد؟ همچنین این روزنامه چه سندی برای اثبات تیراژ واقعی خود ارائه می‌دهد؟ سنجش مخاطب یک حوزه علمی است اما تیراژ مطبوعات سنتی اغلب در هاله‌ای از ابهام باقی می‌ماند و معیار سنجش آنها اغلب مبتنی بر ارقام اعلام شده توسط خود آن مجموعه است. این عدم تقارن در شفافیت، شایسته تأمل جدی است.

جمع‌بندی

گزارش روزنامه سازندگی در خصوص عملکرد مرکز تحقیقات صداوسیما فاقد درک صحیح از علم سنجش مخاطب در دوران چندرسانه‌ای مدرن است. این گزارش، نادیده گرفتن ۶۰ سال تجربه، نادیده گرفتن زیرساخت ملی و عدم توجه به استانداردهای جهانی (مانند تفکیک Rating از Rating) است. ما با تأکید بر مدل ترکیبی، دقت نمونه‌گیری در مراکز استان و شهرستان‌ها و روستاها و تأکید بر رشد محتوا در پلتفرم‌های امتدادی، ثابت می‌کنیم که صداوسیما همچنان بازیگر اصلی در فضای اطلاعاتی و سرگرمی کشور است. توقف شیب نزولی مصرف سنتی از پاییز ۱۴۰۲ و رشد چشمگیر در رویدادهای خاص نظیر نوروز و رمضان ۱۴۰۴ نشان‌دهنده قدرت بازیابی و انطباق ماست. مرکز تحقیقات بر صحت داده‌های خود ایستاده و منتقدان را به شفافیت علمی و بازدید حضوری دعوت می‌کند. ما هیچگونه تعدیل روش‌شناختی ناشی از فشار یا القانات بیرونی را نخواهیم پذیرفت و مسیر علم‌محور خود را با اقتدار ادامه خواهیم داد.

شناسه آگهی ۲۰۷۹۶۴۸

نوبت اول

تجدید ارزیابی کیفی آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همراه با ارزیابی کیفی به شماره ۴۰۴/۱۶

با موضوع: خرید، ساخت و نصب سبتیک تانک (لجن کش) به همراه تجهیزات مورد نیاز

شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۹۱۸۶۳۰۰۰۰۵۴

شرکت بهره‌برداری نفت و گاز غرب در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همراه با ارزیابی کیفی «**خرید، ساخت و نصب سبتیک تانک (لجن کش) به همراه تجهیزات مورد نیاز**» به شرح مندرج در کتابچه مناقصه را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی همزمان با فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوت‌نامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه‌گران ارسال خواهد شد.

- مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه:** روز یک شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۷
- مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی و پاکات پیشنهاد:** تا ساعت ۰۹:۳۰ روز یک شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۷
- مبلغ برآورد اولیه مناقصه و محل تأمین اعتبار:** ۷۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال - منابع داخلی جاری
- نوع و مبلغ تضمین شرکت درفرآیند ارجاع کار:** یکی از تضمین معتبر مطابق با بند الف ماده ۵ این‌نامه تضمین در معاملات دولتی به مبلغ ۳/۷۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
- نوع و کیفیت و کمیت کالا:** تجهیز سه دستگاه کامیون بنز ۲۶۳۰ به سه دستگاه لجن کش صنعتی با مخزن فلزی حدود ۱۱۰۰ لیتری مجهز به پمپ مکند و سایر متعلقات
- محل و مدت قرارداد:** به مدت ۶ ماه شمسی در کارخانه شرکت برنده مناقصه (پیمانکار) می‌باشد. خودرورهای کارفرما به محل کارخانه اعزام و پس از اتمام کار، انجام تست نهایی مربوطه و در محل کارخانه تحویل می‌گردند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۰/۰۳

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۰۶



شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت مناطق مرکزی ایران
شرکت بهره‌برداری نفت و گاز غرب

- پیش پرداخت:** به میزان بیست و پنج درصد نرخ پیشنهادی پیمانکار برنده در مقابل مقابل ارائه تضمین معتبر مطابق با بند پ ماده ۵ این‌نامه تضمین در معاملات دولتی
- مدارک و مستندات الزامی جهت ورود به فرآیند ارزیابی کیفی (در صورت عدم بارگذاری هر یک از مدارک ذیل مناقصه‌گر از فرآیند ارزیابی کیفی کنار گذاشته می‌شود)**
- ۱-۸ بارگذاری مدارک حقوقی شرکت شامل: کد اقتصادی، شناسه ملی، اساسنامه، آگهی تأسیس و آگهی معتبر آخرین صاحبان امضای مجاز
- ۸-۲ بارگذاری فرم استعلام ارزیابی کیفی تکمیل شده و مدارک و مستندات مربوطه
- ۸-۳ بارگذاری مجوز کاربری سازی از وزارت صنعت، معدن و تجارت
- ۸-۴ بارگذاری مجوز از پلیس راهور برای تغییر کاربری خودروهای باری
- تذکره ۱:** در صورتی که مدارک مذکور از طریق سامانه‌های مربوطه قابل استعلام باشند، مورد قبول قرار خواهند گرفت.
- تذکره ۲:** تمامی ضمانت‌نامه‌های صادره از بانک‌های پاسارگاد و سپه مورد پذیرش واقع نخواهند شد.
- اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار:**

آدرس: کرمانشاه، میدان نفت، بلوار زن، پلاک ۴۲، کدپستی ۶۷۱۴۶۷۷۷۴۵، دبیرخانه کمیسیون مناقصات.
تلفنکس: تدارکات کالا ۳۳۱۱۱۳۱۴-۰۸۳ و امور حقوقی و قراردادهای ۳۳۱۱۱۳۱۶-۰۸۳ و مرکز تلفن ۳۳۱۱۰۰۰۰-۰۸۳
تلفن داخلی: کارشناس خرید ۲۱۱۴۴، کارشناس امور قراردادهای ۲۲۱۱۸ و دبیرخانه کمیسیون مناقصات ۲۵۱۵
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۴۱۹۳۴۰/۰۲۱ / دفتر ثبت‌نام: ۸۸۹۶۹۶۷۳۷ و ۸۸۱۹۳۷۶۸

روابط عمومی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز غرب

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه اجرائی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۳۱۲۰۰۸۰۰۵۵۵۰ تاریخ ۱۴۰۴/۸/۲۷
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰۰۶۳۲
تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی آقای جبار حاجیلی دوجی فرزند قریان محمد به شماره شناسنامه ۱۱۲ و کد ملی ۲۲۶۹۰۶۵۳۲۸ صادره علی آباد در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۸۶۷۱/۵۹ متر مربع، مفروز و مجزی شده جزئی از پلاکهای ثبتی شماره (۹/۲۱- اصلی لمساحت ۱۷۶۴/۶۴ متر مربع) و (۹/۲۵- اصلی بمساحت ۲۶۹۰۶/۹۵ متر مربع) واقع در آق قلا- اراضی قره به حسن طیب - بخش ۱۲ حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا از سهمی مالک رسمی (آقای حاجی لی دوجی و خاتم نازلی مرادی دوجی) تأتید گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف-۱۰۴۵
تاریخ انتشار نوبت اول: روز سه شنبه ۱۴۰۴/۹/۱۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: روز چهارشنبه ۱۴۰۴/۱۰/۳

مهمانز جانفقر
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا